

به نام خداوند بخشنده مهربان

=====

درسنامه دوره آموزش کوتاه مدت ضمن خدمت:

سیره پیامبر اعظم (ص)

کد شناسایی: ۹۲۵۰۳۰۵۸ / ۸ ساعت

فراگیران: کلیه کارکنان آموزشی و اداری (رسمی و پیمانی)

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه ای که اینک در خدمتتان هستیم گذری است اجمالی بر زندگی و سیره پیامبر اعظم، زندگی سراسر از معرفت و کمال که تاریخ ساز تمدن بشری گردید و پرچمدار آخرین رسول گرامی خداوند.

در آغاز کلام در بحث سیره پیامبر بر خود واجب می دانیم گذر اجمالی بر جغرافیای تاریخ سرزمینی داشته باشیم که زادگاه پیامبر بود، زادگاه اسلام بود و اندیشه ساز آخرین رسول خداوند شد. سرزمین حجاز، سرزمینی که در عهد باستان شاید مورد توجه امپراطوران بزرگی چون روم و ایران نبود، هرچند هم بر بخشی از این سرزمین دست گذاردند و بخشی از این سرزمین را به مستعمره خود درآوردند و آن قسمت هم بخش جنوبی این سرزمین بود. سرزمینی که تقریباً یک پنجم سرزمین حجاز بود، سرزمین یمن، منظور همان یمن است، مهد حکومت بالقیس، سرزمین صنعا، شهر عدن، اسطوره هایی درباره این سرزمین در تاریخ کهن و باستانی وجود دارد اما حجاز بخش دیگری است، سرزمینی بود بی آب و علف، مورد توجه بزرگان رم و ایران نبود. اگر ایرانیها بر یمن دست یازیدند بر اساس کشاورزی، سرزمین سرسبز و مهد تجارت بود

اما با سرزمین مرکزی حجاز کاری نداشتند، چیزی نداشتند که از آن طلب کنند، به هر ترتیب، سرزمین حجاز که مهد نظر ماست دارای دو شهر بود شهرهای مکه و مدینه، لفظ مدینه بعد از بعثت رسول خدا و بعد از هجرت پیامبر به این شهر بر این سرزمین گذارده شد. منظور همان یثرب است واژه یهودی، زیرا در این شهر اقوام و قبیله هایی از یهود ساکن بودند، اما مکه شهری تاجر پیشه، شهری بازرگان که تجارت خود را با شام و یمن انجام می داد، از قبیل تجارت درآمد داشتند. بودند قبایل ثروتمندی در مکه، از جمله قبیله قریش، قبیله ای که با ناز و نعمت تجارت زندگی می گذراند در همین قبیله بودند کسانی که کلید دار خانه خدا بودند، چرا می گوئیم مکه مقدس بود؟ مکه سرزمین ابراهیم، سرزمین پیامبری که اسلام و مسیح و یهود به او باز میگردد، مکه شهری که سازنده آن خانه خدا به دست ابراهیم بود و فرزندش اسماعیل معجزه کریمه در سرزمین حجاز، این سرزمین با تمام ویژگی هایی که از حضرت ابراهیم بر خود داشت اما در طول زمان با جهل و گمراهی و انحراف هماهنگ بود، همسو شد، کعبه جایگاه بتها گردید، بت پرستی موج میزد، لات و منات و عزی و هبل، بزرگان بت سرزمین مکه شدند و تقدیس این بت ها جزء کرامات این مردم بود.

جهل، خرافه پرستی، تعصبات جاهلی و اوج آن از بین رفتن کرامات اخلاقی در مکه و اطراف مکه موج میزد، البته به مدینه هم سرایت کرده بود اما در این سرزمین بودند

کسانی که پیرو حضرت ابراهیم بودند، به آنان حنیف می گویند و قریش و قبیله بنی هاشم از آنند. البته در سرزمین حجاز ادیانی حضور داشتند از یهود، از مسیح حتی بودند کسانی که پیروان دین هایی از سرزمین ایران و یا خدایان رومی را مبلغ بودند اما آن چه موج میزد در سرزمین حجاز، علی الخصوص شهر مکه بت پرستی بود، جهل و خرافه پرستی بود و در این سرزمین زادگاه شخصیتی بزرگ شد که تاریخ ساز تمدن انسانی گردید، گذشته از رسالت این فرد و کرامت ایشان او کسی بود که تاریخ انسان و اندیشه سیاسی و مذهبی و اعتقادی ادوار بعدی تاریخ در وجود او نمایان شد.

آنچه در این مقدمه گذشت اشاره ای بود به جغرافیای تاریخی سرزمین حجاز، همچنین اوضاع اجتماعی شهر مکه و اوضاع اجتماعی شهر مدینه، گذری بر تاریخ حضور ادیان در سرزمین حجاز، امید است این مقدمه بتواند راهگشای شما عزیزان در بحث سیره بزرگوار پیامبر اعظم باشد.

آنچه در این بخش گفته شد؛ بحثی بود از جغرافیای تاریخی سرزمین حجاز، آنچه که بر سرزمین حجاز قبل از تولد رسول گرامی اسلام گذشت و حتی تا بعثت ایشان نیز مقدماتی است که در جلسه بعد خدمت شما عزیزان ارائه خواهد گردید.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این قسمت برنامه ضمن اشاره به گذشته ای که در برنامه قبل داشتیم و اشاره به منطقه حجاز و جغرافیای تاریخی آن سرزمین و نقش ادیان در آن سرزمین اینک به زادگاه پیامبر یعنی شهر مکه اشاره می کنیم، پیامبر بزرگوار اسلام در سال عام الفیل و بنا به روایتی ۱۲ ربیع الاول در روایتی دیگر ۱۷ ربیع الاول، آنچه مورد اتفاق علماء اهل شیعه است ایشان در ۱۷ ربیع الاول دیده به جهان گشوده اند و سرزمین مکه را غرق نور فرموده اند پدر ایشان عبدالله ، فرزند عبدالمطلب از خانواده پاک بنی هاشم و مادر ایشان آمنه، این هردو پدر و مادر پیامبر بزرگوار اسلام در کرامت، عفت و پاک دامنی زبانزد مردم مکه بودند، پیامبر بزرگوار اسلام پدر خود را قبل از تولد از دست دادند و ایشان با سرپرستی مادر خود به دایه ای از وادیه نشینان اطراف مکه سپرده شدند، حلیمه دایه پیامبر، دایه ای که با حضور پیامبر در این طایفه غرق از نعمت و کرامت گردیدند، پیامبر بزرگوار اسلام بنا بر اعتقادات مردم مکه بر این بود که فرزندان در سن خردسالی دور از شهر مکه بزرگ شوند و با روحیه صحرا و سختی و مصیبت های

صحرا آشنا شوند، پیامبر نیز همچون کودکانی دیگر دور از شهر مکه و در آغوش دایه خود بزرگ شدند و سپس به نزد مادر خود بازگشتند، مادر ایشان حضرت آمنه در سن ۶ سالگی پیامبر از دنیا رفتند و پیامبر بزرگوار اسلام در آغازین روزها و سالهای زندگی خود طعم تلخ یتیمی را چشیدند، پیامبر بزرگوار اسلام در آغوش پدر بزرگ خود عبدالمطلب تربیت یافتند، پیامبر بزرگوار اسلام در دوران نوجوانی همواره مورد تحسین و کرامت مردم مکه بود، به ایشان لقب امین دادند زیرا هرگز در عرب جاهلی پیدا نمی‌کردند، یافت نمیشد جوانی امانتدار باشد، هرگز به خود ندیده بودند جوانی راست گو باشد و در وجود شخصیت نازنین پیامبر این واژه های دور از جامعه متبلور بود، پیامبر بزرگوار اسلام در نوجوانی سیره بزرگوار خود را در عهد و پیمان حلف الفضول نشان دادند، پیمان جوانمردان که پیامبر همواره در دوران بعثت خود از آن به نیکی یاد می‌کرد.

اینک که بر سیره پیامبر سخن می‌رانیم بجاست از قسمتی دیگر از زندگی ایشان بیان کنیم در سن ۹ تا ۱۲ سالگی بنابر روایت مورخینی چون یعقوبی در تاریخ یعقوبی ، مروج الذهب مسعودی و الکامل ابن اثیر بیان گردیده که پیامبر همراه عموی خود ابوطالب به سرزمین شام در کاروان تجاری حضور داشته اند، در ناحیه ای به نام بصری راهبه ای از مسیحیان ایشان را می‌بینند، در خانقاهی که آن راهبه به نام به نام

بحیرا زندگی می کرد به محض دیدن رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) کرامات او را می ستاید و می داند که آینده این شخصیت ستاره درخشان انسانی است و تمدنی بزرگ در آینده نوید است که ظهور یابد. این راهب مسیحی رو به ابوطالب کرده و می گوید از برادرزاده خود خوب نگهداری کن و بدان که دشمنان زیادی دارد علی الخصوص یهودی ها، سپس بحیرا در گوش حضرت رسول نجوا می کند می گوید تو را به لات و عزی قسمت می دهم که راست بگو، پیامبر با خشم رو به بحیرا می کند در سن ۱۲ سالگی و می گوید بیزار ترین و منفورترین کلمات را بر من گفتی، منفورترین کلمات را بر من راندی، و آن چیزی که در دنیا از آن بیزارم همین واژه هاست، و همین بت ها است، پیامبر در سن نوجوانی این گونه با بحیرا سخن گفت، سیره دیگر پیامبر حضور ایشان در کاروان تجارتی حضرت خدیجه است، آن زمان که حضرت خدیجه هنوز به ازدواج رسول خدا در نیامده بود، آنچه گفته می شود و آنچه تاریخ رسول و زندگی و سیره پیامبر بیان می گردد هرگز نتوانسته است جای شک و تردیدی برای مورخین غرب یا مستشرقین به وجود آورد، اگر زره ای، واژه ای، کلمه ای منفی در زندگی پیامبر پیدا می کردند قطعاً با آن واژه ها با جنگ به پیامبر می آمدند و می دانیم که اینک در عصر حاضر آنچه درباره پیامبر می گویند از شدت خشم آنهاست. میسازند فیلم هایی را، می نویسند کتاب هایی را ولی خود می دانند که دروغ می گویند زیرا ندارند سند و

مدرکی در تحریف پیامبر، دوران زندگی پیامبر قبل از بعثت سراسر از کرامت است، سراسر از بزرگواری است، چرا به او لقب امین داده اند؟ این لقب و این واژه مختص رسول خدا است و هیچ کس در سرزمین حجاز و در مکه چنین لقبی را نداشت به هر ترتیب در کاروان تجارتي حضرت خدیجه به عنوان بخشی از نیروی کاروانی به شام سفر می کنند. شاید حضرت خدیجه ایشان را محک میزد تا به صادق بودن، درستی و امانت داری ایشان یقین پیدا کند کاروان می رود و باز میگردد و خدیجه از غلام خود آنچه در این کاروان گذشت می خواهد.

آنچه در این بخش گذشت بخشی بود از زندگی پیامبر اکرم، از تولد ایشان تا بعثت، آنچه گذشت مروری بود بر پیمان حلف الفضول، دیدار راهب مسیحی در منطقه بصری و حضور پیامبر در کاروان تجارتي حضرت خدیجه.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در چهلمین سال عام الفیل و بنا به روایت همه مورخین و علما در ۲۷ ماه رجب پیامبر بزرگوار اسلام به بعثت رسول و پیامبری برگزیده شدند و سوره اقرأ (علق) بر ایشان نازل گردید ، البته در باب ماه رجب و ماه رمضان اختلاف است ، بعضی از مورخین معتقدند علی الخصوص مورخین اهل سنت معتقدند که بعثت رسول گرامی در ۱۷، ۱۸ و ۲۴ ماه رمضان اتفاق افتاده است. اما از آنجا که کرامت ماه رجب و حرام بودن این ماه و همچنین بنا به اتفاق همه مورخین اکثر علما شیعه ۲۷ ماه رجب را روز بعثت رسول گرامی اسلام می دانند در اصل دریافت وحی و نزول سوره مبارکه اقرأ و بازگو کردن آن برای حضرت خدیجه (س) و حضرت علی (ع) توسط پیامبر بزرگوار اسلام و نیز در پذیرش و ایمان این دو شکی نیست و همه مورخان اعم از اهل تشیع و اهل سنت کم و بیش آن را نقد کرده اند و بر این بیان اعتقاد دارند که بزرگوارانی چون حضرت خدیجه و حضرت علی اولین زن و اولین مردی بود که به اسلام ایمان آوردند. بعد از رسالت پیامبر ایشان به طور ۳ سال به دعوت مخفی در بین عشیره خود پرداختند، در بین افرادی از سرزمین مکه پرداختند و بیان اعتقادات خود را در توحید و یگانگی به خداوند بیان داشتند. آنچه پیامبر در این سه سال بیان کرد به دو اصل باز می گردد، ۱- یگانگی

خداوند ۲- معاد و روز رستاخیز، سه سال دعوت مخفی پیامبر ادامه یافت تا اینکه خداوند بر ایشان وحی فرمودند که دعوت خود را آشکار کند ، بعد از سه سال از دعوت مخفی ، دعوت آشکار ایشان با دعوت از عشیره خود، عقارب خود و قبیله قریش آشکار شد. پیامبر با حضرت علی سخن گفتند و به ایشان فرمودند که غذایی تهیه کند و از همه اقوام دعوت کنند که در منزل گرد آیند تا ایشان سخن گوید.

سیره پیامبر بر این بود که ابتدا رسالت خود را بر اقوام خود بیان کند، بنی هاشم جمع شدند و سخنان پیامبر آشکارا بر یگانگی خداوند بیان گردید، پیامبر بزرگوار اسلام از یگانگی، توحید و یکتا پرستی سخن گفتند از بین بردن آنچه که تا کنون عرب جاهلی به عنوان خدایان می پرستیدند، زیر پا گذاشتن نظام بت پرستی ، اینک پیامبر ضمن سخن از وحدانیت خداوند و بشارت بر معاد و روز رستاخیز برای ایمان آورندگان به آنان که در مقابل توحید و یگانه پرستی می ایستند عقوبت روز جزا را پیام می داد.

به هر ترتیب پیامبر در این دعوت از اقوام خود بیان فرمودند کدام یک از شما مرا در این امر یاری می دهید تا برادر من و خلیفه و نماینده من در بین شما و سرپرست خانواده‌ام باشد؟ پیامبر بزرگوار اسلام سه بار این جمله را تکرار فرمودند و هر سه بار این حضرت علی بود که از جای برخاست و اعلام آمادگی کرد، پیامبر درباره این امر فرمودند از این پس آنکه مرا یاری خواهد کرد این جوان بنی هاشم است. جالب اینجاست

که از میان اقوام پیامبر بودند کسانی که به استهزاء با پیامبر سخن گفتند و حتی در این میان بودند کسانی که به حضرت ابوطالب تمسخر گونه گفتند از این پس باید از فرزندت کمک بجویی، به فرزندت تاسی کنی.

در تاریخ یعقوبی بیان شده که حضرت ابوطالب فرمودند ای ننگ خاندان به خدا قسم که برای یاری او آماده ایم، و ای پسر برادرم هرگاه خواستی که به سوی پروردگارت دعوت کنی ما را خبر ده تا مسلط شویم و همراه تو بیرون آییم، با توجه به تمسخرها و استهزائی که از سوی بعضی از عشیره پیامبر نسبت به ایشان و حضرت علی و حضرت ابوطالب انجام می گرفت، هرگز در مقابل اقوام و عشیره خود نایستد، پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند: *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ هَمَانَا مِنْ مَبْعُوثٍ شَدِمَ تَا مَكَارِمِ اخْلَاقِي* را تمام کنم و این یکی از آن نشانه های سیره پیامبر در همان دعوت همگانی است به هر ترتیب پیامبر بعد از سه سال دعوت مخفی و بعد از آن حضور اقربین خود در بالای کوه صفا دعوت خود را آشکار فرمودند و همه مردم شهر مکه را به پرستش خدای یکتا فراخواندند و از بت پرستی و بت ها بیزاری جسته و مردم را در دعوت یگانگی فراخواندند و از عذاب الهی دور ساختند. در این زمان شخصی چون ابولهب همواره به نوعی به آزار و اذیت پیامبر می پرداخت. ابولهب بارها در میان مردم شهر مکه فریاد میزد مردم این برادرزاده من پسر عبدالله است و او دروغ می گوید اما این کارشکنی ها

و لجاجت ها و توطئه های ابولهب سبب شد که سوره لهب در مذمت او نازل شود که خود یکی از معجزات کریمه قرآن است زیرا همانگونه که قرآن بیان فرموده او و زنش کافر از دنیا رفتند . این یکی از آن معجزاتی است که قرآن همواره می تواند به عنوان بخشی از زندگی رسول خدا به آن استناد جست.

اینک در انتهای این برنامه به خلاصه ای در بحث می پردازیم. آنچه که گذشت بعثت پیامبر بود و دعوت مخفی ایشان و سپس دعوت آشکار که با دعوت و حضور اقوام ایشان آغاز شد، همچنین پذیرش اسلام از سوی حضرت خدیجه و حضرت علی و عالی ترین بخش در این قسمت اعلام آمادگی حضرت علی بود در کنار رسول خدا، همچنین به آزار و اذیت پیامبر توسط ابولهب پرداخته شد که کرامت قرآن را در نزول سوره لهب اشاره کردیم.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

اینک در چهارمین بخش از برنامه تاریخ و سیره زندگی حضرت رسول اکرم به بخش رسالت ایشان و دوران بعثت ایشان تا هجرت می پردازیم، بی شک با علنی شدن دعوت پیامبر و گرایشات گروهی از مردم علی الخصوص طبقات پایین دست جامعه مکه به گفتار و سخنان پیامبر که سرشار از عدالت و بزرگواری و برابری و برادری در جامعه مکه بود، فشارها و شکنجه ها نسبت به ایشان از سوی بزرگان و روسای قبایل، علی الخصوص قریش آغاز شد، نامسلمانان مکه آزارها و شکنجه هایی دیدند که بر ایشان سخت آمد و هرگز از عهد و پیمان خود باز نگشتند، بسیاری از شکنجه ها بر شخص پیامبر گذشت از قبیل چوب زدن و سنگ پرتاب کردن بر ایشان، ریختن خاکروبه و شکمبه شتر و گوسفند بر سر ایشان تا روزی که شکنجه ها بر یاران ایشان فراهم گردید، کشتن سمیه و یاسر اولین شهدای اسلام به دست کافران قریش و مشرکان مکه از جمله شکنجه هایی بود که بر یاران پیامبر گذشت، در سال دوم بعثت بود که بزرگ

مردی چون حمزه به پیامبر ایمان آورد، با ایمان آوردن حمزه به اسلام در واقع یکی از بازوهای توانمند پیامبر شکل گرفت، ابوجهل از کسانی بود که همواره پیامبر را مورد تهمت، افترا و دشمنی قرار دادند و همواره تبلیغ علیه پیامبر می کرد هرچند این افراد نه مدرکی دال بر دروغگویی پیامبر داشتند و نه سندی دال بر بی امانتی یا ناجوانمردی پیامبر داشتند اما همواره بر این نکته ها تاکید می کردند و به دروغ سخن می گفتند تا شخصیت پیامبر را در نزد مردم مکه و کسانی که به مکه وارد می شدند تخریب کنند، به هر ترتیب با ایمان آوردن حضرت حمزه به اسلام و اعتقاد ایشان به راه پیامبر اکرم چنان ضربه ای به قریش خورد که هرگز باور نمی کردند زیرا حضرت حمزه بزرگمردی از سران قریش بود و در شجاعت، بزرگواری و جوانمردی او همواره سوگند یاد می کردند کسی برابر حضرت حمزه نبود، مورخین بیان می کنند که حضرت حمزه در سال دوم بعثت زمانی که به پیامبر ایمان آورد آشکارا زمانی که ابوجهل در شهر مکه بر علیه پیامبر سخن می راند با کمانش چنان بر سر ابوجهل کوبید که خون جاری شد و در نزد همگان اعلام کرد که من به برادر زاده ام ایمان آورده ام، پیامبر بزرگوار اسلام همواره در سیره خود به دو طریق عمل نمودند، یک تعالیم و آموزه های ایشان در گفتار و دوم سیره عملی آن حضرت که همواره راهنما و هادی مسلمانان بودند، همین دو سیره پیامبر بود که شخصیت هایی چون حضرت حمزه، حضرت بلاد، مقداد، ابانر و

بسیاری دیگر جزء صحابی پیامبر شده بودند، صحابی چون عمار که در تاریخ آینده زندگی پیامبر و همچنین حضرت علی (ع) نقش ساز است. شکنجه هایی که بر پیامبر و صحابی ایشان رفت پیامبر را بر این واداشت که اندیشه هجرت را در میان مسلمانان باز نماید و اولین هجرت در سال پنجم بعثت تا هفتم بعثت انجام گرفت ، هجرت به سوی سرزمین حبشه، ۸۳ مرد از مسلمانان و ۱۸ زن، کاروان هجرت پیامبر به سوی حبشه بودند، رهبر این مهاجرین جعفرابن ابی طالب بود. این هجرت انجام گرفت و این کاروان هجرت به سرزمین حبشه رسیدند اخبار این هجرت به قریش رسید، مشرکان مکه بر این شدند که به هر صورت که شده این مهاجرین مسلمان را از حبشه باز گردانند. لذا عمرو بن عاص را برای دربار نجاشی به عنوان سفیر خود اعزام کردند تا شاید بتوانند نجاشی را وادار کنند به تسلیم این افراد، اما نجاشی پادشاه حبشه به نماینده مشرکان مکه گفت در صورتی خواسته شما را اجرا خواهم کرد که گفتار این مهاجرین را بشنوم، لذا مهاجرین به دربار آمدند و سخنگوی مهاجرین جعفرابن ابیطالب ، او ابتدا از اوضاع پست عرب جاهلی قبل از بعثت رسول خدا سخن گفت و سپس آیاتی را از سوره مریم خطاب به نجاشی بیان فرمود، این آیات چنان بر نجاشی تاثیرگذار که او را منقلب ساخت، در واقع وحی که بر پیامبر نازل شد و قرائت سوره مریم برای صحابه خود، علی الخصوص جعفرابن ابیطالب، این مرد بزرگ در دربار نجاشی باعث شد که هرگز

این پادشاه حبشه مسلمانان را برنگرداند و به ایشان گفت تا هر زمان که مایلید در سرزمین من بمانید و به ابراز عقیده خود بپردازید.

یکی از نکات ظریف این پیام و این هجرت آن بود که پیامبر بزرگوار اسلام با گفتار خود و با اشاره به وحی و آیات قرآن برای صحابه شخصیت هایی را به عنوان رهبر یک گروه تعیین می فرمودند که آن افراد در نقش خود بر دیگران تاثیر سازند و این جعفرابن ابیطالب بود که با بیان خود و قرائت سورهٔ مریم انقلابی در روحیهٔ نجاشی ایجاد کرد که او هرگز حاضر نشد مسلمانان را به کافران قریش پس دهد.

در آخرین قسمت این بخش به خلاصه ای از آنچه گذشت می پردازیم، همانگونه که مستحضرید پیامبر بزرگوار اسلام با دعوت آشکار خود، طبقه ای خاص از جماعت مکه به ایشان ایمان آوردند و صحابهٔ ایشان از آغاز ایمان آوردن مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفتند، در این بخش به ایمان آوردن حضرت حمزه نیز اشاره گردید. همچنین به هجرت گروهی از مسلمانان به سرزمین حبشه و سخنان جعفرابن ابیطالب و قرائت سورهٔ مریم در نزد نجاشی که باعث شد مسلمانان در سرزمین حبشه به تبلیغ دین اسلام بپردازند.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

به حواث و رویدادهایی می پردازیم که در دوران حضور ایشان در مکه اتفاق افتاد. اولین مسئله ، مسئله محاصره اقتصادی ایشان و خانواده بزرگوارشان بود ، همانگونه که در مباحث قبلی اشاره شد شکنجه ، ظلم و ستمی که بر صحابی پیامبر رفت ، باعث شد که پیامبر بخشی از صحابه خود را به سرزمین نجاشی اعزام دارد و به عنوان اولین مهاجران وارد سرزمین حبشه شدند اما آزار و شکنجه مرشکان کوتاهی و پایانی نداشت. نهایتاً مشرکان گرد هم آمده، پیمانی بستند و بر آن پیمانی بستند و بر آن امضاء کردند و تعهد بستند که بر پیامبر فشار اقتصادی آورده و خانواده و قبیله پیامبر را از مکه بیرون کنند، بر اساس عهدنامه ای که با یکدیگر به امضاء رساندن داد و ستد با خانواده پیامبر ممنوع اعلام شد، حتی تزویج با دختران و پسران بنی هاشم ممنوع اعلام شد و اجازه مبادله و تجارت با این خانواده داده نشد، ابوطالب خاندان خود را و رسول خدا را و همه عزیزان را به شعیب خود منتقل کرد، گویا ۸ سال شعیب ابیطالب به عنوان مرکز تبعید خانواده پیامبر بود، ایشان در اینجا به محاصره اقتصادی درآمدند اما کارسازترین و بزرگترین تجربه های پیامبر در زندگی ایشان در این دوران رقم خورد، هرچند سالهای تلخ و سختی نیز بر پیامبر گذشت، مخصوصاً زمانی که

پیامبر حضرت خدیجه را در این شعیب از دست داد و سه روز بعد نیز حضرت ابوطالب و این ایام را با نام ایام حوض؟؟؟ در تاریخ صدر اسلام می شناسند، به هر ترتیب بزرگترین حامیان پیامبر، حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه (ع) از دست رفتند و اندوهی عظیم بر پیامبر وارد شد اما از دیگر حوادثی که در دوران پیامبر رخ داد حادثه معراج است، بحث معراج پیامبر در دو سوره از قرآن مطرح شده است ، یکی در سوره اسراء و دیگری در سوره نجم که به صورت مفصل بیان گردید، منظور از سیر ، سیر روحانی نبوده که بسیار آسان و برای دیگران هم ممکن است، اما آنچه در سیر پیامبر در معراج مطرح است سیر جسمانی نیز هست، در سیر جسمانی است که پیامبر از مکه به مسجدالاقصی و از مسجدالاقصی به آسمان ها می رود، زیرا پیامبر می بیند آنچه را که در زمین است، همانطوری که بیان گردید معراج یکی از ویژگی های پیامبر در دوران رسالت ایشان در مکه است. گویند که معراج در بعد زمانی نیز نگنجد، بحث است بین مورخین و در تاریخ یعقوبی آمده است که زمانی که پیامبر از منزل حضرت حمزه خارج شد حتی یکی از قسمت های درب خانه هنوز حرکت می کرد که به آن کلمب؟؟ در می گفتند و پیامبر معراج را تمام کرد و به زمین بازگشت.

زمانی که صحابه از ایشان پرسیدند در معراج چه گذشت، پیامبر برای آنکه سخنان خود را با اطمینان بیان کرده باشد و به آنان که هنوز ایمان نیاورده اند بیان کند که چه

گذشته است برای آنهایی که در کاروان تجارتی بین مکه و شام بودند بیان کرد که چه کسی رهبر این کاروان تجارتی است و چه کسی و نام میبرد، اینجاست که بسیاری از افرادی که در گرد پیامبر نشستند و سخنان ایشان را از معراج گوش میدادند اشکها جاری گشت و به رسالت پیامبر نیز ایمان آوردند، بخش دیگری از زندگی پیامبر و سیره پیامبر در دوران حیات و حضورشان در شهر مکه بحث معجزه شق القمر است، شاید در تاریخ کمتر به این معجزه پرداخته شده و هرچند که تاریخ دقیق وقوع معجزه شق القمر مشخص نیست اما گواه مورخان، محققان و آنچه که از صحابه پیامبر مشهور است این معجزه در مکه اتفاق افتاد، حتی فخر رازی ذیل آیه یک سوره قمر می نویسد که همه مفسران بر آنند که ماه شکافته شد.

آنچه گذشت بخشی از زندگی پیامبر بود اما بخش دیگر این زندگی و بخش دیگر این سیره در رسالت ایشان خارج از شهر مکه است. اولین سفر ایشان به شهر طائف است. با از دست رفتن دو حامی و دو یاور بزرگوار پیامبر یعنی حضرت ابو طالب و حضرت خدیجه، محیط مکه و اجتماع مکه برای پیامبر سخت و تنگ و تاریک بود. ایشان در انجام وظیفه و رسالت خویش و اتمام حجت به شهر طائف رفتند چون شهر طائف بعد از شهر مکه یکی از شهرهای پر رونق سرزمین حجاز بود و در شهر طائف نیز بت پرستی رواج داشت و بتخانه های بزرگی نیز در شهر طائف وجود داشت، پیامبر با این انگیزه به شهر

طائف رفتند تا شاید نظام بت پرستی، نظام جهل و خرافه را در این شهر ریشه کن کند ولی این سفر نیز برای پیامبر سخت آمد و دردآورد بود، هرچند ثمرهٔ این سفر ایمان آوردن شخصی به نام عداس (غلامی مسیحی) بود، دست آوردی که بعدها ثمربخش بود در تاریخ صدر اسلام، پیامبر بزرگوار اسلام در این سفر به سبب ابلاغ رسالت و هدایت و اتمام حجت بیش از یک نفر به اسلام ایمان نیاورد اما این فرد توانست زندگی خود را و تحولی که در روحیهٔ خویش پیدا شد مدیون پیامبر بداند، به هر ترتیب پیامبر از شهر طائف به سرزمین مکه بازگشتند و راه خود و هدایت خود و مأموریت خود را در ابلاغ رسالت ادامه دادند، پیامبر بزرگوار اسلام بر خود چنین دیدند که رسالت را در ایام حج بیان کنند زیرا در ماه ذی الحجه افرادی و کاروان هایی از اطراف و اکناف حجاز به شهر مکه می آمدند شاید این تصور شود که آیا قبل از رسالت و قبل از بعثت ماهی به نام ذی الحجه و اعمالی به نام حج وجود داشت؟ آری سنت حضرت ابراهیم در مکه اجرا می شد اما بودند افرادی که به بت پرستی گرایش پیدا کرده بودند، اما رفتار و اعمال حج ابراهیمی ترک نشده بود و پیامبر در ماه ذی الحجه زمانی که کاروان ها به مکه می آمدند و شهر مکه شلوغ بود سخن از رسالت خود دادند و مردم را به یگانگی و توحید دعوت کردند و بشارت خویش را بر وحدانیت خداوند و توحید و خداپرستی بیان داشتند.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

اینک در سلسله مراتب بحث اجمالی سیره پیامبر بزرگوار اسلام به ششمین بخش از این سیره می پردازیم، حوادث مهم این بخش در باب مقدمات هجرت پیامبر به شهر مدینه می گنجد، حوادث مهم ایام حج، آنچه که گفتیم در بخش پنجم، روزهای حجی بود که کاروان ها به مکه می آمدند و ضمن اعمال طواف و اجرای حج ابراهیمی به تجارت و بازرگانی نیز می پرداختند اما در سال دوازدهم از بعثت پیامبر اتفاقی رخ داد، گروهی از مردم مدینه به نزد پیامبر آمدند سخنانی از پیامبر را در شهر خود شنیده بودند ، این مردم می دانستند که فردی خواهد آمد و دعوی نبوت خواهد کرد و بسیاری از ستمدیدگان از دست ظالمان نجات پیدا خواهند کرد. این سخنان را از یهودیان ساکن در مدینه شنیده بودند، قبایل اوس و خزرج همواره اختلافی با خود داشتند، یهودیان به آنها گفته بودند که بر اساس آیات تورات، فردی از میان ما به پیامبری برخواید خواست که بساط ظلم و جور را نابود خواهد کرد، این عده وقتی به مکه آمدند با توجه به مقدمه ای که در ذهن خود از گفتار یهودیان داشته اند و همچنین مطالبی که درباره حضرت محمد (ص) شنیده بودند به گرد ایشان رفته و اولین پیمان را با ایشان بستند. این پیمان در محلی به نام عقبه بسته شد، مورخین بیان می دارند که این محل در واقع گردنه ای است

در منا که در ایام حج در این منطقه با پیامبر ملاقات کردند، این عده ۱۲ نفر بودند و پیمانی منعقد کردند که بعدها به پیمان عقبه معروف شد. در پیمان اول بر این بودند که هرگز ظلم نکنند، ستم نکنند و به خدا شرک نورزند، دزدی نکنند و مرتکب اعمال خلاف اخلاق نشوند. در واقع فرزندان خود را نکشند، زیرا در عرب جاهلی رسم بر این بود که کشتن دختران جزء افتخارات قبایل عرب بود زیرا اعتقاد داشتند اگر جنگی درگیرد دختران و زنان اسیر خواهند شد. بخشی از قبایل عرب به این کار خلاف اخلاق و خلاف انسانیت دست می زدند، پس در پیمان عقبه با پیغمبر عهدی بستند که هرگز دست به چنین عملی نزنند، اما این گروه که بازگشتند در کنارشان فردی از صحبه پیامبر به نام مصعب ابن عمیر قرار گرفت و مصعب در مدینه با قرائت آیات از قرآن و بیان آنچه که از سیره پیامبر دیده و شنیده بود در اسلام آوردن بخش اعظمی از مردم مدینه سهیم شد.

در سال سیزدهم بعثت گروه بیشتری از مردم مدینه به مکه آمدند و دومین پیمان عقبه بسته شد، این پیمان بخش بزرگی از تاریخ صدر اسلام را به خود اختصاص داده است، زیرا در این پیمان بود که ۸۳ نفر از مردم مدینه در مقابل عباس عموی پیامبر و حضرت علی (ع) پیمانی را با پیامبر امضاء فرمودند که تا پای جان از جان ایشان حمایت کنند. پیامبر با انعقاد این پیمان اولین مقدمات هجرت از مکه را فراهم نمودند، با انعقاد این

پیمان، پیامبر از مکه به سوی مدینه مهاجرت کردند هرچند که مشرکان اخبار این هجرت را دریافتند و تصمیم داشتند که پیامبر را به قتل رسانند، حادثهٔ تجمع مشرکان برای قتل پیامبر در تاریخ صدر اسلام به دار الندوه مشهور است و شبی است که حضرت علی (ع) در بستر پیامبر خوابید تا جان پیامبر حفظ شود به نام شب ليله المبيت. به این ترتیب پیامبر هجرت خود را در سال ۱۳ بعثت آغاز نمودند با ورود پیامبر به شهر یثرب، نام مدینه النبی یافت رسالت پیامبر بخش دیگر خود را آغاز کرد، سیرهٔ پیامبر در مدینه سیرهٔ عملی و نشان از اجرای حکومت اسلامی بود، هماهنگ شدن دین و سیاست در سیرهٔ پیامبر از ورود ایشان به شهر مدینه آغاز گردید، در آغازین ورود پیامبر در این شهر اولین مکان عبادی ساخته شد و آن مسجد بود، مسجد نه محل عبادت بلکه محل اجرای عدالت، و نه محل عبادت و عدالت، و بلکه محل اجرای سیاست در حکومت اسلامی، پس مسجد مرکز حکومت اسلامی در تاریخ صدر اسلام شد. سیرهٔ پیامبر در عمل ایشان در ساختن مسجد نیز الگوی مسلمانان شد. پیامبر دوش به دوش صحابه در ساختن مسجد همراه و همیار بود.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

به حوادث و رویدادهایی می پردازیم که در سالهای حضور ایشان در شهر مدینه، علی الخصوص سالهای اول و دوم هجرت پرداخته می شود. اقدامات پیامبر در سال اول ورود ایشان به شهر مدینه در ابتدای امر همانگونه که در برنامه گذشته به آن اشاره کردیم تاسیس مسجد، پایگاه حکومت اسلامی بود. دومین برنامه ای که در سیره پیامبر در شهر مدینه گذشت انعقاد عقد اخوت میان مسلمانان بود. همانگونه که می دانیم در شهر مدینه دو قبیله اوس و خزرج سالها بود که با یکدیگر اختلاف داشتند، یهودیان ساکن شهر مدینه از این اختلاف نهایت سوء استفاده را می کردند. از طرفی میان مردم مدینه و مردم مکه نیز اختلاف وجود داشت. مردم مکه مردمانی تاجر پیشه و بازرگان بودند، و مردمان مدینه مردمانی پیشه ور و صنعتگر و بخشی هم دامدار و کشاورز بودند. با ورود مهاجرین به مدینه امکان وجود اختلاف های کهن و رفتارهای جاهلی وجود داشت. پس اندیشه پیامبر در حفظ جامعه اسلامی انعقاد عقد اخوت بود. همه مسلمانان اعم از اوس و خزرج و انصار و مهاجر با پیام پیامبر به برادری یکدیگر درآمدند و عقد اخوت با یکدیگر بستند که هرگز علیه هم دشمنی نکنند و با دوستان خود دوست باشند و با دشمنان دشمن.

در این عقد اخوت آخرین فردی که پیامبر با او عقد برادری بست حضرت علی (ع) بود و ایشان همانگونه که در آغاز رسالت خویش و در سخن بشارت آشکارشان فرمودند برادر و وصی خود تعیین نمودند اینجا نیز این عقد را با حضرت علی بستند و پیمان را محکمتر کردند به هر ترتیب بخش دیگر کار مربوط به کسانی بود که در مدینه حضور داشتند اما نه در شمار مسلمانان، بلکه آنها جماعت یهود بودند، قبایل بنی نضیر، بنی قریظه، بنی قینقاع، بنی مستلق، پیامبر با آنها پیمان مسالمت آمیز بست و با آنها پیمان بست که مبادا با مشرکین، کافران و دشمنان اسلام پیمان دوستی بندند. مسلمانان نیز حافظ جان و مال ایشان خواهند بود به شرطی که هرگز بر پیامبر و صحابه ایشان و مسلمانان رفتار ناخوشایند و نابخردانه نداشته باشند. این پیمان مسالمت آمیز میان پیامبر و یهودیان بسته شد هرچند که یهودیان نشان دادند حاضر به تابعیت نبودند و حاضر به عهد و پیمانی که بسته بودند نشدند و در جنگ احزاب این ناجوانمردی را و این پیمان شکنی را نشان دادند.

به هر ترتیب پیامبر در سال اول هجرت خود اساس حکومت اسلامی و بنیاد حکومت اسلامی را ریختند. آیات خداوند و نزول این آیات در شهر مدینه نشان از شریعت اسلام برای امت و مسلمانان است. یکی از وقایع مهمی که در سال دوم هجرت اتفاق افتاد مسئله تغییر قبله مسلمانان بود. یهودیان ساکن در مدینه همانگونه که اشاره شد به عهد

و پیمانی که با پیامبر بستند وفادار نشدند در ابتدا شروع به تمسخر مسلمانان کردند قبل از آنکه توطئه ای بچینند گفتار و سخنان خود را به لحن کنایه آمیز بر مسلمانان خطاب می کردند و بیان می داشتند شما که مدعی دین جدید هستید چرا به معبد ما و جایگاه انبیاء ما عبادت می کنید، چرا در مقابل بیت المقدس رکوع و سجود می کنید. این موضوع بر مسلمانان گران آمد و حتی بر پیامبر نیز سخت گذشت. تا اینکه آیاتی از سوره حج و سوره بقره در تغییر قبله مسلمانان نازل گردید و قبله مسلمانان از بیت المقدس به مکه تغییر پیدا کرد. این واقعه برای مسلمانان جای بسی شعف و شادمانی بود و برای یهودیان بسیار دردآور.

اما مسئله دیگر در سال دوم هجرت غزوه بدر، مشرکین مکه دست دست از آزار و اذیت خود برداشتند، اینک که دیدند شهر مدینه در مقابل مکه بزرگ شده است و دیدند مسلمان ها در مدینه مأمن و جایگاهی پیدا کرده و رسول خدا به رسالت خود می پردازد در پی شکست مدینه برآمدند پس مقدمات جنگی را با پیامبر فراهم کردند. ابتدا به خانه مسلمانانی که در مکه اسباب و اثاثیه ای داشتند حمله کرده به غارت خانه های آنها پرداختند، سپس مقدمات این حمله را فراهم کردند، ابوجهل فرمانده سپاه مشرکان در این نبرد بود. به هر ترتیب جنگ بدر آغاز شد اما نتیجه ای که برای مشرکان داشت شکست و نابودی آنها و کشته شدن بیش از هفتاد تن از مشرکان در این جنگ بود. در

اینجا قصد از بیان جنگ بدر تاریخ آن نیست اما زیباترین نتیجه ای که از این جنگ به دست آمد درباره سیره پیامبر است. توجه شما عزیزان و شنوندگان و فرهنگیان عزیز را به این نکته جلب می کنم که در پایان جنگ هفتاد تن اسیر شدند. زیبا ترین کلام پیامبر درباره اسرا این است اگر از بین اسرا کسی ۱۰ تن از مسلمانان را خواندن و نوشتن بیاموزد آزاد خواهد گشت. این سخن پیامبر زیباترین کلام است در تاریخ صدر اسلام ، نشان از اهمیت اسلام به تعلیم ، اندیشه و تربیت است.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این جلسه به حوادث و رویدادهای سال چهارم هجری پرداخته می شود. در سال چهارم هجرت پیامبر بزرگوار اسلام بعد از تحمل چهار سال ناراحتی ها و رنج هایی که از بابت قوم یهود بر مسلمانان دیدند بر ایشان اتمام حجت کردند، اولین برخورد پیامبر بزرگوار اسلام برخورد با قبیله یهودی بنی قینقاع، این قبیله نسبت به زنان مسلمان بی احترامی می کرد و حتی در بازار مسلمین نسبت به یکی از زنان مسلمان بی احترامی بزرگی کردند، پیامبر به آنها تذکر داد اما آنها با زخم زبان ها نسبت به مسلمانان و حتی شخص پیامبر اساس فتنه را فراهم کردند تا آنجا که بر پیامبر گفتند؛ مردم مشرک مکه توان جنگیدن با شما را نداشتند و ما مردم یهود می توانیم با شما بجنگیم و پیروز خواهیم شد ، پیامبر دریافت که وجود این قبیله برای حضور در مدینه مشکل ساز خواهد شد. بعد از ۱۵ روز محاصره منطقه جغرافیای قبیله بنی قینقاع، آنها دریافتند که رویارویی با مسلمانان کار عبث و بیهوده ای است، و دریافتند که مسلمانان تا پای جان از عهد و پیمانی که بسته اند دفاع خواهند کرد، شکست پیمان با مسلمانان و نقض عهد قضایای رایج یهودیان ساکن در مدینه بود. متأسفانه بعد، ما در تاریخ محققین غرب و اندیشمندان شرق در باب تاریخ اسلام مطالب و نوشته هایی می بینیم و نگاه می کنیم که

اساس کج اندیشی این مورخین و مستشرقین است. در بعضی از کتب و حتی در کتاب‌های بعضی از نویسندگان داخلی نیز که مسلمانان در زیر سایه شمشیر به توسعه تمدن خویش پرداختند. سوء استفاده کنندگان تاریخ در اندیشه یهودی گری بارها در کتب خود با اسلام با بغض و کینه وارد شدند. متعصب ترین مورخ یهودی **گلدزیهر** صهیونیست است که در کتاب خود به نام **العقیده و شریعه بالاسلام** بارها تاکید کرده که مسلمانان با شمشیر و قتل و خونریزی به توسعه تمدن پرداخته اند. این واژه ها الگوی نویسندگان غربی شد و مستشرقین نیز با استفاده از این الگو بارها کینه و عداوت خود را نسبت به مسلمان ها روا داشتند آنها می دانند و مطمئن که اسلام هرگز از شمشیر و زور و خونریزی در توسعه و ابلاغ رسالت خود استفاده نکرد اما بر حسب همان کینه و عداوت و آن خصومت تاریخی استفاده از این واژه ها را برای فریب ملت‌های دنیا به کار می برد اگر اسلام در زیر سایه شمشیرها به روایت و به قول آنها توسعه پیدا کرد در سال ششم هجرت چه کسی صلح حدیبیه را امضا کرد؟

پیامبر بزرگوار اسلام با امضاء صلح حدیبیه با مشرکان نشان داد که قصد خونریزی ندارد و فقط و فقط به قصد انجام حج عازم مکه شده، اگر قرار بود کافران به جرم کفر کشته شوند پس مفهوم جزیه در فرهنگ اسلامی چیست؟ غیر مسلمانان می توانند در

نظام اسلامی زندگی کنند و با پرداخت جزیه امنیت و آرامش خود را تامین نمایند و حکومت اسلامی نیز موظف به تامین امنیت آنهاست. به هر ترتیب در سال چهارم هجرت قبیله بنی نضیر آغازگر فتنه دوباره ای شد و مقدمات جاسوسی را بر علیه مسلمانان فراهم کرد. پیامبر نیز آنها را بنابر احکام تورات مورد مجازات قرار داد، سران قبیله بنی نضیر به خدمت پیامبر رسیدند و پیامبر بر اساس احکام خودشان مورد مجازاتشان قرار داد، آنها از مدینه دور شدند و منطقه جغرافیایی آنها در اختیار مسلمانان قرار گرفت اما بزرگترین ضربه ای که یهودیان بر اسلام و مسلمانان وارد کردند در سال پنجم هجرت بود. در سال پنجم هجرت قبایل یهود، مشرکان مکه و قبایل اطراف مکه که هم پیمان با مشرکان بودند جنگی را بر مسلمانان فراهم کردند و امید داشتند با انجام این جنگ و شروع این جنگ پیروزی را از آن خود کرده و مسلمانان را نابود کنند، این جنگ به نام جنگ احزاب نام گرفت. و در قرآن نیز به نام جنگ احزاب معرفی گردیده. البته جنگ خندق نیز معرفی شده زیرا که بنا به سفارش سلمان فارسی، خندقی در اطراف شهر مدینه حفر گردید، منطقه جنوبی، غربی و شرقی شهر مدینه در موانع طبیعی قرار داشت و تنها منطقه ای که احتمال ورود مشرکان به مدینه فراهم بود منطقه شمالی شهر بود، پیامبر در کنار صحابه خود روزها و شب ها به حفر خندق مشغول شدند وقتی مشرکان با آن برخورد کردند تعجب کردند زیرا این مانع جنگی از جمله عواملی

بود که در جنگ های ایرانیان استفاده میشد و سلمان فارسی نیز با تجربه حضور در ایران این مانع نظامی را در مقابل شهر مدینه ایجاد کرد و همین مانع از ورود مشرکان به مدینه جلوگیری کرد. یکی از جلوه های زیبا و پرشکوه جنگ احزاب کشته شدن عمر بن عبد ودود این قهرمان سپاه مشرکین که او را به میدان جنگ آورده بودند و مشرکین امید داشتند هیچ کس یارای مقابله با او نیست در توهم پیروزی شادی کنان بودند اما ورود این فرد به میدان جنگ و رویارو شدن با حضرت علی (ع) از جلوه های پر شکوه جنگ احزاب بود، امام علی (ع) با ضربه های اندکی عمر بن عمرو و د را به زمین انداختند. فرهنگیان بزرگوار جنگ احزاب جلوه پر شکوه برادری ایمان با کفر بود، روایت و حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام در این باب است که امروز اسلام با تمام وجود در مقابل کفر ایستاد و در تمجید از شجاعت حضرت امیر (ع) است. به هر ترتیب قضایای جنگ خندق نیز به پیروزی مسلمانان تمام شد و برگ زرینی بود در تاریخ صدر اسلام و سیره پیامبر بزرگوار اسلام.

سیره پیامبر اعظم(ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این جلسه به حوادث و رویدادهای سال ششم هجرت پرداخته می شود. از وقایع مهم سال ششم هجرت حرکت پیامبر به قصد انجام حج به سوی مکه بود در کنار اصحاب و مسلمانان و یاران خود. پیامبر بزرگوار اسلام در سال ششم هجرت نه به قصد جنگ بلکه به انجام فریضة حج عازم مکه شدند اما در نزدیکی مکه مشرکان از ترس اینکه مبادا حضور پیامبر در مکه باعث از بین رفتن ابهت و قدرت کاذب آنها شود مانع ورود پیامبر به شهر مکه شدند و حتی خالد بن ولید فرمانده سپاه مشرکان با تعدادی سوار به قصد ترساندن مسلمانان در مقابل مسلمانان صف آرایی کردند. پیامبر و صحابه ایشان لباس احرام در بر داشتند و شمشیری در نیام نه به قصد جنگ، بارها تاکید می کنیم نه به قصد جنگ و نه به قصد خونریزی، بلکه به انجام فریضة واجب حج. چرا به تکرار این مطلب می پردازیم؟ مسئله در باب نوشتار محققین و مورخینی است که با کینه و عداوت همواره مسلمانان را افرادی جنگ طلب معرفی کردند. چیزی که امروزه نیز بارها مسلمانان را متهم به آن می کنند. در سال ششم هجرت پیامبر بزرگوار اسلام در مقابل سپاه تا به دندان مسلح مشرکان دست به اسلحه نبردند و هرگز فرمان جنگ صادر نکردند، مشرکان پیامبر را وادار به بازگشت کردند اما با یک عهدنامه، قبل از پرداختن به

عهدنامهٔ حدیبیه یا پیمان صلح حدیبیه بجاست از واژهٔ بیعت رضوان نیز سخنی به میان آید.

وقتی صحابهٔ رسول خدا تهدیدات مشرکان را دیدند در آنجا در منطقهٔ حدیبیه با پیامبر بیعت دوباره بستند که تا پای جان از جان پیامبر دفاع کنند. این پیمان با مشرکان به پیمان صلح حدیبیه معروف گردید، پیمان صلح حدیبیه اگرچه به ظاهر به نفع مشرکان بود و عده ای از مسلمانان نیز گله مند بودند از امضاء این پیمان نامه اما برگ زرین دیگری در تاریخ زندگی پیامبر اسلام است، قرآن از پیمان حدیبیه به فتح مبین اشاره دارد. دستاوردهایی که از پیمان حدیبیه نصیب مسلمانان شد بی شمار بود، مسلمانان و مشرکین عهد و پیمان بستند تا ۱۰ سال متارکهٔ جنگ کنند، مشرکان از مسلمانان و پیامبر خواستند به مدینه بازگردند و سال دیگر برای انجام فریضهٔ حج به مکه آید. همچنین بر اساس این پیمان نامه مشرکان از ادیت و آزار قبایلی که با مسلمانان عهد و پیمان می بندند پرهیز کنند. یکی از بندهای این عهدنامه که گلهٔ بعضی از صحابهٔ رسول خدا را فراهم کرد آن بود که اگر فردی از مشرکین به مدینه آمد و مسلمان شد ، مسلمانان باید او را به مکه بازگردانند و به مشرکین پس دهند و اگر فردی از مسلمانان به مکه رفت و در کنار مشرکین قرار گرفت، مشرکین می توانند او را به مدینه باز نگردانند و حق دارند که او را به مسلمانان پس ندهند، این نکته برای صحابه گران آمد

اما رسول خدا بیان فرمودند اگر کسی قرار است از بین ما به مشرکین راه پیدا کند و دوباره مشرک شود صلاح نیست که دیگر جزء نیروهای مسلمان باشد. به هر ترتیب این پیمان به امضاء رسید و صلح حدیبیه انجام شد. این صلح در جواب کسانی است که مدعی هستند اسلام با شمشیر توسعه پیدا کرد در واقع خلاف گفته آنهاست. با مطالعه به تاریخ صدر اسلام بسیاری از حقایق روشن خواهد شد و جلوه پر شکوهی از تاریخ در صدر اسلام برای مسلمانان باز خواهد شد.

تمدن و فرهنگ اسلامی اگر توسعه پیدا کرده و اگر به سرتاسر عالم رسید، با در کنار رفتار، گفتار و عملکرد پیامبر بزرگوار اسلام و هدایت های قرآن کریم است به هر ترتیب صلح حدیبیه باعث شد که مسلمانان در راستای رسالت فرهنگی خود اقدامات شایسته ای را انجام دهند. قبل از پرداختن به حوادث و رویدادهایی که در سال هفتم هجرت اتفاق می افتد شایسته است به مسائلی که در حول و حوش سرزمین حجاز و خارج از مرزهای این منطقه اتفاق افتاده بود بپردازیم.

در بخش پایانی امید آن داریم که نهایت بهره را از این فصل برده باشید و ضمن اشاره به بخشی از زندگی و سیره پیامبر بزرگوار اسلام از شما عزیزان خواستاریم که با مطالعه در تاریخ صدر اسلام به اندیشه های توسعه تمدن و فرهنگ ناب اسلامی آگاه شوید.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

اینک در بخش دیگری از تاریخ زندگی پیامبر بزرگوار اسلام به حوادث و رویدادهای سال هفتم هجرت می پردازیم، همانگونه که مستحضرید در سایه آرامش و امنیتی که از متارکه جنگ در عهدنامه یا پیمان نامه صلح حدیبیه انجام گرفت در هفتمین سال از هجرت پیامبر به مدینه ایشان سفیران خود را برای ابلاغ رسالت به سرزمین های خارج از مرزهای عربستان اعزام داشتند. ۱۴ قرن پیش اندیشه صدور رسالت پیامبری از شخصیت بزرگواری چون رسول خدا حضرت محمد(ص) امری معجزه گونه است، فرض کنیم در ۱۴ قرن پیش دنیا چگونه اداره میشد، اوج ابرقدرت ها در سایه امپراطوری های ایران و روم شرقی بود. هرچند حکومت ها و دولت هایی در مصر و حبشه نیز وجود داشت.

پیامبر بزرگوار اسلام بر اساس نقل مورخین، نامه هایی به امپراطور رم شرقی هراکلیوس یا هرقل ، امپراطور ایران خسرو پرویز و پادشاه حبشه، نجاشی و همچنین فرمانروای مصر نوشتند، پیامبر در این نامه ها ضمن معرفی خود آنها را به رسالت دین اسلام و بشارت پذیرش دین اسلام و رستگار شدنشان نوید دادند، نامه پیامبر به

امپراطور روم شرقی مورد تکریم امپراطور هراکلیوس قرار گرفت، این امپراطور سفیر پیامبر را به گرمی پذیرفت و حتی بیان کردند که در نهاد خود به اسلام ایمان آورد، اما از ترس اساقفه مسیحیت و از ترس توطئه در دربار ابراز آشکارا به دین اسلام نکرد. اما سفیر پیامبر را با هدایایی روانه مدینه کرد، سفیر پیامبر به حاکم مصر نیز مراجعه کرد در آنجا نیز نامه پیامبر به حاکم مصر ابلاغ شد، این حاکم نیز با گرمی از سفیر پیامبر استقبال کرد.

نجاشی نیز در حبشه، نامه پیامبر را به گرمی پذیرفت و گویند که فرزند خود را با عده‌ای از درباریان روانی مدینه کرد اما نامه پیامبر در دربار خسرو پرویز با بی مهری این پادشاه مواجه شد، خسرو پرویز نامه پیامبر را پاره کرد و حتی به فرستاده پیامبر و سفیر پیامبر توهین کرد، اخبار این واقعه به مدینه رسید، پیامبر فرمودند خسرو پرویز حکومت خود را درید، اما در تحلیل و بررسی حادثه سال هفتم هجرت به مسئله توسعه اندیشه و صدور رسالت پیامبر می پردازیم، هرگز پیامبر قصد آن را نداشت که رسالت خود را در محدوده جغرافیایی حجاز محدود کند و نگه دارد، بلکه این رسالت می بایستی جهانی شود اولین حرکت جهانی پیامبر در سایه حقوق انسانی است، امری که امروز نیز ما به آن روابط بین الملل می گوئیم اقدام پیامبر در این راه به گونه ای نشان از رابطه پیامبر با کشورها و امپراطوری ها و سران و پادشاهان آن زمانه داشت. این اندیشه

پیامبر در راستای همان توسعه تمدن اسلام و ابلاغ جهانی اسلام است. مهمترین پیامد این پیام شکل گیری منطقه ای و جهانی مسلمانان و گسترش دامنه تبلیغات اسلام است. امید است در بررسی واقعه سال هفتم هجرت که واقعه فرهنگی و ابلاغ رسالت است شما عزیزان و فرهنگیان فرهیخته مورد توجه قرار گیرد.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این برنامه به حوادث و رویدادهای سال هشتم هجرت می پردازیم، همانگونه که شما عزیزان مستحضرید در سال ششم هجرت بود که پیامبر با مشرکان مکه صلحی را به امضاء رساندند به نام پیمان حدیبیه و بر اساس این صلح نامه مشرکان تعهد دادند که نسبت به مسلمانان بدرفتاری نکنند و نسبت به هم پیمانان با مسلمانان دشمنی نورزند و همچنین رفتار مشرکان دیگر بر اساس جنگ و درگیری نباشد، این پیمان تا سال هفتم هجرت نیز همچنان ادامه داشت اما از سال هفتم هجرت مسائل و اتفاقاتی رخ داد که منجر به نقض پیمان شد، مشرکان و کافران مکه علیرغم تعهد و پیمانی که با پیامبر در سال ششم بسته بودند نقض پیمان کرده و حتی در چند مورد اقدام به شهادت رساندن بعضی از مبلغین مسلمان در میان قبایل کردند، حتی در یکی از موارد مشرکان قبیله بنی بکر را تحریک کردند تا با قبیله بنی خزاعه درگیر شوند و هم پیمانان با مسلمانان را مورد آسیب و زیان قرار دهند، حتی در یکی از موارد هم یکی از قبایل اطراف مدینه مورد حمله مشرکان مکه قرار گرفتند و تعدادی از افراد آن قبیله کشته شدند زنان آنها به اسارت گرفته شدند و اموالشان غارت شد. اخبار این وقایع به مدینه رسید و در مدینه بود که پیامبر سخت از شنیدن این اخبار متأثر شدند. ایشان متوجه شدند که اگر به این

رفتارهای مشرکان جواب در خور شأن داده نشود اینها جسارت و گستاخی خود را بیشتر خواهند کرد و همچنین پیامبر دریافت که اگر در مقابل این اقدامات سکوت کند به حیات سیاسی حکومت اسلامی ضربه وارد خواهد شد در اینجا بود که پیامبر فرمان بسیج عمومی را در شهر مدینه صادر کردند و مسلمانان برای حرکت به سوی مکه آماده شدند ، پیامبر ابتدا برای امنیت جامعه اسلامی و سپس به جهت نابودی اساس فتنه و آشوب که می توانست در آینده تهدیدی برای حکومت اسلامی باشد این حرکت را آغاز کرد. پیامبر اکرم در عین حال تصمیم نداشتند که فتح مکه با خونریزی انجام گیرد لذا تمام سخنان ایشان در فاصله بین مدینه و مکه برای مسلمانان، آن بود که از خونریزی و جنگ و جدال پرهیز شود. لذا به محض اینکه سپاهیان اسلام به اطراف شهر مکه و بلندی های این شهر رسیدند پیامبر دستور دادند در هنگامه شب مشعل ها را روشن کرده و هر مسلمان یک مشعل به دست گیرد. این حرکت برای مشرکان و کافران داخل مکه آنچنان رعب و وحشتی ایجاد کرد که دیگر در خود یارای مقاومت ندیدند، با دیدن عظمت سپاه اسلام از رویارویی با اسلام ترس و وحشت داشتند، علی الخصوص ابوسفیان که پرچم دار شرک و بت پرستی در مکه بود. ۲۰ سال با پیامبر جنگید ، ۲۰ سال در مقابل اندیشه اسلامی مقاومت کرد، او فردی متنفذ بود، برای خود قدرت و منزلت داشت اما اینک در مقابل سپاه مسلمانان عاجز و ناتوان شد ، فردی که خود را

شیوخ مکه می دانست، ثروتمندترین فرد می دانست، اینک به درماندگی و استیصال افتاده بود و از روبرو شدن با رسول خدا وحشت داشت، ابوسفیان از این وحشت داشت که عاقبت حرکت های خود را در عقوبت و قصاص خواهد دید، ابوسفیان بیم داشت که مورد عقوبت مسلمانان قرار گیرد لذا خود را به خیمه پیامبر مکرم اسلام رساند و در حالی که از شدت ترس بر خود می لرزید و می دانست که ممکن است قصاصی در انتظارش باشد اسلام آورد، اسلام آوردن ابوسفیان از ترس جان بود اما پیامبر پذیرفت.

در این زمان اوج کرامت و رأفت رسول گرامی اسلام به نمایش گذارده شد، ابوسفیانی که با رهبری خود بر مشرکین یاران پیامبر را شکنجه کرده بود و یا به شهادت رسانده بود و چندین جنگ را بر مسلمانان تحمیل کرده بود اینک در کمال ناباوری بخشش رسول خدا را بر خود مشاهده کرد. دروازه های شهر مکه بدون خونریزی بر روی سپاهیان اسلام گشوده شد، پیامبر مکرم اسلام نه تنها ابوسفیان را بخشید و بلکه اعلام داشت هر یک از مشرکین و کافران به خانه ابوسفیان پناه آورد او نیز از مجازات در امان خواهد بود. این حرکت پیامبر اسلام یک پیام تربیتی برای همه نسل ها و همه رهروان و همه حاکمان جوامع در همه ادوار تاریخی داشت. پیامبر که وارد شهر مکه شد ، پرچم اسلام به دست سعدبن عباده بود، در این زمان سعد فریاد زد، **الْيَوْمَ يَوْمٌ**

الْمَرْحَمَةَ ، پیامبر فوراً پرچم را از سعد گرفت و به دست مبارک حضرت علی (ع) داد و گفت مسلمانان فریاد بزنید ، **الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَرْحَمَةِ** . امروز روز رحمت است و سپس فرمان عفو عمومی صادر شد و موزن حکومت اسلامی پیامبر، بلال حبشه در بالای بام کعبه رفت و اذان گفت و کعبه از وجود بت ها و مشرکان پاکسازی شد، پیامبر وارد خانه کعبه شد و به نقل مورخین ۳۶۰ بت در خانه کعبه وجود داشت که پیامبر همه این بت ها را با عصایشان به زمین کوبیدند و **گفتند جَاءَ الْحَقُّ وَ رَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً** به هر تربیت مکه فتح شد، آیات اول سوره فتح درباره فتح مکه بسیار مصداق این فتح الفتوح است.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در سیزدهمین برنامه از برنامه های تاریخ زندگی پیامبر بزرگوار اسلام به حوادث و رویدادهای مهم سال نهم هجرت می پردازیم، از جمله حوادث این سال غزوة تبوک است، به شهر مدینه خبر رسید که سپاهیان رم شرقی در حدود و سقور مرزهای اسلام آغازگر جنگی هستند و قصد تصرف سرزمین حجاز را دارند، پیامبر قبل از حرکت به آن سرزمین و قبل از رسیدن به مرزهای همسایگی با روم، عده ای از صحابه خود را برای کسب اخبار به آن منطقه اعزام داشتند و تحرکات سپاهیان رم را رصد کردند، لذا پیامبر بزرگوار سپاهیان خود را آرایش نظامی دادند و به طرف مرزهای شمالی سرزمین حجاز حرکت کردند، از آنجا که احتمال وجود خطر فتنه و همکاری عده ای از قبایل عرب غیر مسلمان، ساکن در مرزهای روم برای حمله به سرزمین حجاز و اسلام وجود داشت نیاز بود که پیامبر همه افراد را برای حرکت به سوی تبوک، منطقه تبوک تجهیز و آماده کند، از طرفی نیز در جامعه نوپای اسلامی که مرکز آن شهر مدینه بود امکان وجود نغمه های فتنه انگیز از سوی برخی که با واژه نفاق و منافق در قرآن معرفی گردیده ایجاد می شد، لذا پیامبر بزرگوار اسلام به همراه ۳۰ هزار نفر از مسلمانان به قصد جنگ با نیروهای امپراطوری روم شرقی عازم منطقه تبوک گردیدند، برای امنیت

شهر مدینه اندیشهٔ پیامبر برگزاردن والی درایتمندی بر این شهر بود، وقتی که به تاریخ صدر اسلام مراجعه می شود این دوران دیشی پیامبر قابل تحسین است. امام علی (ع) نمایندهٔ رسول خدا در شهر مدینه شدند و عملاً پیامبر با انجام چنین اقدامی اساس فتنه را سرکوب کردند، بگذارید به عقبهٔ این رویداد بپردازیم، همانگونه که می دانید زمانی که پیامبر وارد شهر مدینه شد و در اولین سال هجرت عده ای در مدینه حضور داشتند که با نغمه های فتنه انگیز همواره اساس جامعهٔ اسلامی را دچار شک و تردید می کردند. اگرچه در ظاهر اسلام آورده بودند اما در باطن نغمه های شوم خود را برای از بین بردن دین اسلام ترویج می دادند. عبدالله بن عبید رهبر منافقین در شهر مدینه بود. در میان مسلمانان، خود را مسلمانان موجه جلوه می داد و در پنهان با مشرکین و یهودیان نشست و برخاست داشت، اتفاقاً عده ای از کج اندیشان نیز گرد او جمع بودند، در سال نهم هجرت زمانی که پیامبر قصد عزیمت به تبوک را داشتند، همین منافقین با عذر و بهانه های بسیار از حضور در سپاه رسول خدا پرهیز کردند، اما در صدد انجام فتنه ای بودند، فتنهٔ آنها در واقع نوعی کودتا علیه حکومت اسلامی بود، آنها منتظر بودند که رسول خدا از شهر مدینه خارج شده و سپس با کمک ایادی و عمال خود مقدمات یک حرکت نظامی و سیاسی را علیه حکومت اسلامی فراهم کنند.

منافقین شهر مدینه لحظه شماری می کردند حتی برای حرکت نظامی خود و اقدام کودتایی خود کانون فتنه ای را فراهم کردند، این کانون مسجدی بود که توسط منافقین ساخته شده بود، آنها برای مشروعیت بخشیدن به مسجد خود از پیامبر خواسته بودند نمازی را در مسجد برگزار کند ، پیامبر انجام این فریضه را بعد از بازگشت از تبوک موکول کردند، به هر ترتیب پیامبر سپاه خود را به طرف منطقه تبوک حرکت داد و در شهر مدینه حضرت علی (ع) را به عنوان والی و جانشین خویش قرار دادند، این اقدام پیامبر طرح کودتای منافقین را ابتر کرد ، باز منافقین در این فکر بودند که با داشتن کانونی چون مسجد زرار بتوانند در آینده شک و تردیدی در بین مسلمانان ایجاد کنند، اتفاقاً در پرهیز از حضور در سپاه رسول خدا بهانه تابستان و گرم شدن هوا و نداشتن قدرت کافی را از لحاظ جسمانی مطرح کردند، حتی بودند عده ای از ساده دلانی که این سخن‌ها را گوش کردند و از حضور در سپاه پرهیز کردند، اما بعد از بازگشت پیامبر از تبوک که هرگز جنگی هم رخ نداد و فقط یک نمایش نیروی نظامی مسلمانان در سرحدات حجاز با روم بود، پیامبر اسلام در مدینه اولین اقدام خود را در تخریب مسجد زرار به انجام رساندند، زیرا که این مسجد کانون توطئه ، فتنه و اساس نفاق در شهر مدینه بود. مسلمانان ساده دل در تخریب این مسجد گله مند بودند و پیامبر بزرگوار اسلام آینده چنین کاری را برای آنها بیان فرمودند، به هر ترتیب این حرکت سیاسی و این حرکت

نظامی پیامبر در سال نهم هجرت از جمله حرکت های تاریخی و ارزشمند زندگانی پیامبر اسلام است.

یک نکته ای که در حاشیه رویدادهای سال نهم هجرت و قضایای غزوه تبوک مناسب است در این قسمت از برنامه بیان گردد فتنه های منافقین در باب حضور حضرت علی (ع) در شهر مدینه بود. منافقین به محض خروج پیامبر از مدینه شایعه کردند که پیامبر اکرم از وجود حضرت علی در سپاه خود نگران است و شایعه ساختند که روابط پیامبر با علی دچار تیرگی شده. لذا علی را به عنوان خلیفه زنان و کودکان در شهر مدینه قرارداد است. این سخن و مطرح کردن چنین شایعه ای در شهر مدینه برای شخصیتی چون حضرت علی (ع) زمینه ساز فتنه ای بود برای تغییر حکومت. لذا حضرت علی (ع) به سرعت خود را به اردوگاه پیامبر رساندند و موضوع شایعه را با ایشان مطرح ساختند، آنگاه پیامبر مکرم اسلام (ص) فرمودند: مقام تو نزد من همانند مقام هارون پیامبر، برادر موسی نزد موسی است. جز اینکه پیامبری بعد از من نخواهد آمد و اما نکته پایانی این بخش از گفتار سیره پیامبر اعظم آن است که رفتار رسول خدا و اقدامات ایشان در غزوه تبوک و فلسفه فکری و سیاسی ایشان در تعیین جانشین در شهر مدینه آن هم شخصیتی چون حضرت علی اوج آینده نگری و اوج اندیشه سیاسی ایشان در حفظ و حراست حکومت اسلامی است.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

اینک در چهاردهمین برنامه از برنامه های تاریخ زندگانی پیامبر اکرم و تشریح وقایع و رویدادهای تاریخ صدر اسلام به سال دهم هجرت رسیدیم، سالی از وقایع و رویدادهایی که برای مسلمانان با غم و اندوه روبرو بود، در تاریخ اسلام این سال به حجه الوداع معروف و مشهور است، پیامبر اسلام در سال دهم هجرت به قصد آشنایی مردم با مناسک حج با صحابه خود و مردم مدینه و مسلمانان اطراف مدینه عازم مکه شدند، جمعیتی عظیم از مدینه و بلاد اطراف آن شهر و قبایل نو مسلمان به همراهی و رهبری پیامبر به سوی مکه عازم شدند، قصد پیامبر از این حج ابتدا آشنایی مسلمانان به آداب و مناسک حج از نظر اسلام بود. با توجه به آیات کریمانه قرآن کریم به روایت تاریخ طبری، الکامل ابن اثیر و سیره حلبی، پیامبر در این حج با ۶۰ قربانی وارد شدند، گویند ۳۴ قربانی از برای امام علی (ع) بوده است، پیامبر در این حج که آخرین حج ایشان بود و در دوران رسالت عمر با برکت ایشان است، سه هدف را مدنظر داشتند، ۱- تعلیم صحیح حج به دور از خرافات و اعمال و رفتارهای جاهلی، ۲- لغو تمام امتیازهای جاهلی که بعضی از مکیان در ایام حج برای دیگران اعمال می کردند و خود را مفتخر به بعضی از این امتیازها می دانستند و آخرین حرکت و اقدام و رسالت ایشان تعیین

رهبری و ولایت بر مسلمین بعد از خود بود، حجه الوداع در واقع آخرین دوران حیات زندگانی پر برکت پیامبر اسلام است، حادثه تاریخی و نقش ساز حجه الوداع قضایای غدیر خم است.

پیامبر که از حج باز می گشتند در محله ای به نام غدیر خم به امر خداوند و با نزول آیه ۶۷ سوره مائده بر جایگاه بلندی که از جهاز شتر ساخته بودند خطبه ای ایراد کرده دست علی (ع) را گرفته بالا برده و بیان داشتند و طی آن فرمودند: **مَنْ كُنْتُ مَوْلاَ فِهَذَا عَلى مَوْلا** ، هرکس من مولای او هستم علی هم مولای اوست. در واقع پیامبر با این اقدام سنجیده و سرنوشت ساز آینده جهان اسلام را بیمه کردند، افسوس که مسلمانان درنیافتند و هرگز نتوانستند آنچه که پیامبر گفته بود درک بکنند، حادثه غدیرخم به اتمام رسید، مسلمانان به مدینه بازگشتند و پیامبر چند روزی بعد از بازگشت از مکه و آخرین حج خود دیدگان خود را از جهان بشری فرو بستند، با ارائه تاریخی از زندگانی پیامبر اسلام در آخرین سال عمر ایشان ما به گوشه و بخشی از رسالت ایشان پرداختیم و با تشریح تاریخ صدر اسلام تا سال دهم هجرت دوران استقرار حکومت نوپای اسلامی را با ظرف اندک معلومات خود ارائه داشتیم.

امید است این برنامه نهایت بهره را برای شما عزیزان داشته باشد. در برنامه های بعدی به گفتاری مفصل درباره تمدن، فرهنگ و توسعه سرزمین های اسلامی خواهیم پرداخت.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

اینک به کارنامه سراسر پر افتخار زندگی پیامبر می پردازیم، دستاوردهایی که پیامبر اسلام ظرف مدت ۲۳ سال از بعثت خود به انجام رساندند، **اولین** اقدام پیامبر که در تاریخ اسلام و بلکه تاریخ جهان انسانی نمونه و قابل تقدیر است تأسیس حکومت بر اساس معیارها و ارزش های الهی است، حکومت اسلامی در مدینه، تحقق اهداف دینی، تربیتی و اجتماعی که بر پایه اخلاق استوار بود و نیز دفاع از جامعه ای که از همه سو مورد تهدید دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفت. پیامبر بزرگوار اسلام اگرچه در مکه به پیامبری مبعوث شدند و پایگاه اجتماعی خود را در مکه قرار دادند اما در مدینه حکومتی تشکیل دادند که الگوی حکومت های اجتماعی انسان ها است، اگر حاکمان درس عبرت از تاریخ صدر اسلام بگیرند. **دومین** برنامه ای که پیامبر در دوران رسالت خود به جد در اجرای آن اهتمام داشتند تحقق عدالت اجتماعی بود. واژه ای که همه شخصیت ها و حاکمان سیاسی برای حکومت خود به کار می برند اما عدالت اجتماعی در تعریف پیامبر بر اساس نفی تمام امتیازات طبقاتی است. قومی بودن، زبان، خط، رنگ، نژاد هیچ کدام برتری در جامعه اسلامی نداشت. ارزش های پیامبر تأکید بر ایمان، عمل و اخلاق به عنوان معیار برتری و کرامت در جامعه اسلامی است. با عدالتی که پیامبر در

طول ۲۳ سال از رسالت خویش برقرار نمودند. عرب جاهلی که به خون و اصالت قبیله‌ای دلخوش می‌داشت، تحت تعالیم پیامبر مکرم اسلام آنها را به دور ریخت. در قضایای هجرت عده‌ای از مسلمانان به حبشه روایت شد که چگونه جعفرابن ابیطالب با قرائت سورهٔ مریم و بیان گذشته‌ای از قبایل عرب و جاهل و خرافه‌هایی که در میان مردم قرار داشت به گذشتهٔ بی‌ارزش عرب پرداخت و سپس با بیان رسالت پیامبر افتخاراتی را بیان کرد که هرگز در میان اعراب وجود نداشت. افتخاراتی چون ایمان، اعتقاد، به دور ریختن تمام تفکرات جاهلی و خرافه پرستی، تفاوت میان عرب و عجم و سیاه و سپید و زن و مرد در جایگاه انسانی و حقوق اجتماعی در حکومت اسلامی محلی از اعراب نداشت. همانگونه پیامبر به اباندر احترام می‌گذاشت که به سلمان فارسی از عجم احترام می‌گذاشت.

در واقع حتی بردگان نیز اگر از عصر جاهلیت دور می‌شدند و اگر به اسلام ایمان می‌آوردند و ایمان و اعتقاد خود را با صداقت در رفتار و عمل همسو می‌ساختند بندگان نیز در جایگاه اجتماعی حکومت اسلام به شخصیت‌های وارسته و مکرمی تبدیل می‌شدند. نمونهٔ آن را در شخصیت بلال از صحابهٔ پیامبر می‌توان نشان داد و عرضه داشت.

از دیگر دستاوردهای پیامبر بزرگوار اسلام فراهم آمدن زمینه ظهور یک تمدن بزرگ جهانی بود، تمدنی که در سال هفتم هجرت رسالت آن به جهانیان ابلاغ شد، مجموعه آموزه‌های قرآن گفتار و کردار پیامبر و پیشوایان دین زمینه ساز شکل گیری تمدنی شد که در جهان انسانی آغازگر فصل نوینی از اندیشه های سیاسی، اخلاقی و اجتماعی است که در چهارده قرن پیش، سخن از عدالت، برابری، برادری گفته شد و بعد از چهارده قرن حکومت‌های این زمانه می‌بایستی الگو گیرند از درس پیامبر، از حکومت پیامبر، از اخلاق پیامبر، از دیگر دستاوردهای این شخصیت بزرگوار جهان انسانی ارتقای سطح دانش و معرفت عمومی در نزد مسلمانان است، ایشان بارها مسلمانان را به آموختن دانش و علم فرا می خواندند و احادیث زیادی است از ایشان که در یافتن علم و دانش، جد و جهاد کنید. تشویق به تحصیل سواد و جستجوی علم و کمال علمی آنهم در جامعه ای که تا چندی پیش سخن از جهالت و خرافه بود امری است معجزه گونه و امری است نادر و در عین حال از افتخارات نهضت جهانی اسلام است.

در برنامه آینده توجه شما را به تمدن و فرهنگ اسلامی در آن سوی مرزهای حجاز جلب خواهیم کرد.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

به حوادث و رویدادهایی که پس از رحلت رسول اکرم در حکومت اسلامی مدینه اتفاق افتاد می پردازیم، همانگونه که در برنامه قبلی به دستاوردهای نهضت اسلامی در عصر پیامبر اکرم پرداختیم و حوادث و رویدادهای ۲۳ ساله عمر شریف حضرت رسول اکرم بیان گردید اینک به جریانات و حوادثی که بعد از رحلت پیامبر در جامعه اسلامی روی داد پرداخته می شد. به رغم آنکه پیامبر اکرم در غدیر خم امام علی (ع) را به عنوان جانشین خویش معرفی کردند اما عواملی موجب گردید که آن حضرت نتواند اداره حکومت اسلامی را پس از وفات پیامبر گرامی اسلام عهده دار شود، امام علی (ع) قریب ۲۵ سال سکوت اختیار کردند و بعد از گذشت ۲۵ سال بود که مردم مدینه و مسلمانان حقیقت غدیر خم را دریافتند اما اولین عاملی که موجب زیر پا گذاشتن عهد و پیمان مردم در غدیر خم با پیامبر شد، حسادت و کینه توزی بعضی از افراد و صحابه نسبت به امام علی (ع) بود. نقش بی نظیر و ارزنده امام علی از آغاز رسالت پیامبر و در طول دوران مجاهدت های ایشان و عشق عمیق و خالصانه و صادقانه امام به پیامبر متأسفانه حسادت افراد را نسبت به امام برانگیخت. می دانیم که در زمان رسالت آشکار پیامبر و دعوت آشکار ایشان امام علی اولین کسی بود که خود را به عنوان پیرو اسلام معرفی کرد و در کنار پیامبر قرار گرفت در طول

سال‌های رسالت پیامبر و آن هنگام که کافران و مشرکین جنگها را بر ایشان تحمیل کردند و نبردهای سختی بین پیامبر و دشمنان اسلام وجود داشت این حضرت علی (ع) بود که دوشادوش پیامبر در جنگ‌ها حضور داشت، نمونه بارز آن در جنگ خندق است آن زمان که عمر بن عبدود وارد میدان شد و به اصطلاح مشرکان پهلوان خود را وارد عرصه نبرد کرده بودند و بسیاری از مسلمانان از نبرد با عمر بن عبدود می ترسیدند این حضرت علی بود که داوطلبانه وارد عرصه نبرد شد، پیامبر در آن نبرد اعلام داشتند امروز تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر قرار گرفته، دلیر مرد سپاه کفر با شمشیر امام علی(ع) به هلاکت رسید، ابهت و عظمت مشرکان در هم شکسته شد. آنچنان رعب و وحشتی در میان آنان قرار گرفت که عرصه را خالی کرده و فرار کردند هرگز دیگر ادامه جنگ ندادند، تشویق‌ها و سپاس‌هایی که پیامبر از امام فرمودند برای بعضی از صحابه که حضور داشتند گران آمد، همین عوامل در گذر زمان کینه‌هایی بود که در بعضی نسبت به امام ایجاد شد.

از دیگر عواملی که می توان در باره دشمنی با امام علی در بعد از رحلت پیامبر اکرم در میان بعضی از صحابه اشاره کرد بودند افرادی که در سال‌های قبل از مسلمان شدن در جنگها، خانواده‌های خود را و برادران خود را در جنگ‌ها از دست داده بودند و اینک مسلمان هم شده بودند و در شمار جامعه اسلامی مدینه درآمده بودند و می دیدند چه کسی جانشینی پیامبر را به عهده گرفته، لذا کینه‌ها را آغاز کردند

زیرا کشته شدن اعضای خانواده خود را در وجود امام علی می جستند و تصمیم داشتند به هر نحو که شده ضربه های اجتماعی خود را نسبت به ایشان وارد کنند، اینجا بود که رویدادهای بعد از رحلت پیامبر شکل می گیرد و ما مشاهده می کنیم که متأسفانه امت اسلامی به سفارش ها و توصیه های پیامبر گوش فرا ندادند.

همچنین افکار و اندیشه های جاهلی، آداب و رسوم بعضی از شخصیت های وفادار به عقاید جاهلی که هنوز برای خود بر اساس معیارهای قبل از ظهور اسلام در میان طوایف و قبایل خود به سن و سال و معیارهای ریش سفیدی و شیخی گری معتقد بودند هرچند مسلمان شده بودند اما هنوز آثاری از افکار جاهلی در وجودشان موج می زد، اینان معتقد بودند که کهنسالی مهمترین ویژگی در احراز ریاست و فرماندهی جامعه اسلامی است و بنابر همین اندیشه غلط از پذیرش جانشینی امام علی (ع) که کمتر از ۳۵ سال داشت امتناع می کردند آنها حقیقت غدير خم را در نیافتند و در شمار کسانی قرار گرفتند که همسو با مخالفان امام علی بودند. قرآن کریم در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران به وضوح درباره عقیده جاهلی بعضی افراد اینگونه بیان می دارند، محمد جز فرستاده خدا نیست که بیش از او نیز رسولانی آمده اند پس اگر بمیرد یا کشته شود شما به روش گذشتگان باز خواهید گشت، این مذمتی است از ناحیه خداوند بر کسانی که هنوز بر عقاید جاهلیشان استوار بودند، همچنین فتنه ها و توطئه های دشمن، بعد از رحلت رسول گرامی اسلام فتنه های

دشمنان سرخورده آغاز شد و در رأس فتنه گران و آشوب طلبان ابوسفیان بود، هرچند در لباس جدید به اسلام ایمان آورده بود، اما همانگونه که قبلاً بیان شد، ایمان او از ترس جان بود، نه بر اساس حقیقت و اخلاص دین اسلام، پس به فکر ایجاد اغتشاش و تفرقه در میان مسلمانان برآمدند و یکی از عواملی که مسلمانان را دچار انحراف کردند، شخصیت هایی چون ابوسفیان بودند.

از دیگر عوامل انحراف جامعه بعد از رحلت پیامبر، رقابت و امتیاز طلبی گروه مختلفی بود که به دنبال منافی از بیت المال بودند و می دانستند امام علی(ع) کسی نیست که به آنها باجی دهد یا امتیازی دهد. از آنجا که پیامبر اکرم از قبیله بنی هاشم نیز بودند و بسیاری از نیروهای دیگر قریش مایل نبودند خلافت بعد از پیامبر گرامی در خانواده و خاندان بنی هاشم تداوم یابد لذا در فکر رقابت و حذف امام از مسئله جانشینی افتادند و از سویی دیگر نیز انصار با استفاده از خدمات و نقش خود در یاری رساندن و تاسیس حکومت اسلامی که هم دوش پیامبر بودند اینک برای خود به دنبال امتیاز و گرفتن مقام و منصبی در حکومت اسلامی بودند. این بود که در چند صباحی بعد از رحلت رسول گرامی ما آشوب ها را در دنیای اسلام یک به یک می بینیم و مسائلی پیش می آید که تا ۲۵ سال بعد از آن که مردم به سراغ امام علی(ع) رفته و از ایشان می خواهند که حکومت را به دست گیرد به حقیقت غدیر خم پی می برند.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این برنامه قصد آن داریم که در ادامه سیره پیامبر بزرگوار اسلام به عوامل پیشرفت و سرعت انتشار اسلام در سرزمین حجاز بپردازیم.

عواملی که تاثیر زیادی در ابلاغ رسالت پیامبر داشتند. اولین عامل نقش شخص پیامبر است، ویژگی های روحی و اخلاقی ایشان دخالت مستقیمی در پیشرفت فرهنگ اسلامی داشت، شرافت نسبی پیامبر (ص) که از قبیله قریش و از طایفه بنی هاشم بودند که شریف ترین قبایل از نسل حضرت اسماعیل و حضرت ابراهیم خلیل الرحمن بودند. دوم، سوابق روشن زندگی پیامبر اکرم، در هیچ مقطعی از زندگی ایشان چه قبل از بعثت و چه بعد از بعثت هرگز ظلم و ستم و گناه و خطایی از ایشان در تاریخ نیست و اساساً در نزد مردم مکه به محمد امین معروف بودند،

اخلاق خاص و کانون مهر و محبت و عاطفه و رحمت ایشان زبانزد همه بود، یکی از رویدادهایی که در دوران جوانی ایشان افتاد نصب حجر الاسود بود، این حرکت پیامبر و این اقدام عاقلانه پیامبر در جلوگیری از خونریزی و قتل و کشتار در میان قبایل مکه اوج اندیشه ایشان از قبل از بعثت بود. داستان نصب حجر الاسود، در سن ۳۵ سالگی پیامبر اتفاق افتاد .

در سالی که به واسطه سیل عظیمی که در شهر مکه اتفاق افتاد قسمتی از دیوار کعبه تخریب شد، بعد از سیل، قبایل شهر مکه و بزرگان شهر مکه اقدام به مرمت و تعمیر خانه کعبه کردند تا به نصب حجرالاسود رسید،

در این زمان بود که بعضی از قبایل تصمیم داشتند افتخار نصب این سنگ را بر دوش خود گیرند، این اختلاف میان قبایل به نزاع، درگیری انجامید و میرفت که یک خونریزی اتفاق افتد. خلاصه آنکه بعد از چند روز درگیری لفظی میان سران قبایل، تصمیم گرفته شد که قبایل در کنار خانه کعبه منتظر بایستند و به رای یکی از قبایل اعلام شد، قضاوت کردند که اگر هر کس به عنوان اولین نفر از در خانه کعبه از درب بنی شیبیه وارد شود در مورد نصب حجرالاسود او رای دهد،

اتفاقاً رسول خدا از این در وارد محدوده حرم شدند، همگی با خوشحالی فریاد زدند که محمد امین وارد شده، حضرت رسول وقتی که قضایا را متوجه شد، عبای خود را پهن کردند سنگ را بر وسط عبا گذاردند و به سران قبایل گفتند هرکدام قسمتی از پارچه را گرفته تا به محل نصب هدایت شود، نهایتاً خود حجرالاسود را بر جای خود گذاردند و بدین ترتیب یکی از درگیری های نابخردانه جاهلی از بین رفت.

از دیگر نشانه ها و ویژگی های شخصی پیامبر در توسعه و انتشار اسلام به صبر و حوصله ایشان باید اشاره کرد. استقامت عجیبی در مقابل سختی ها داشتند، و مصداق آیه **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ** بودند ایشان در طول دوران زندگی خود قبل از بعثت،

هرگز بر بتی سجده نکرد و غیر از خدای یکتا چیزی را پرستش ننمود و در داستان آن راهب مسیحی در منطقه شام، همانگونه که در برنامه های قبلی گذشت اشاره کردیم که حضرت رسول اکرم در دوران نوجوانی نیز نسبت به بت ها بیزاری می جست.

پس این ویژگی ها همه از نقش های ارزشمند پیامبر در سیره عملی ایشان است. حتی زمانی که ایشان به پیامبری برگزیده شدند. می دانیم که سران مشرکین نزد ابوطالب آمده و از او خواستند که به رسول خدا پیغام دهد، هرچه از لحاظ ثروت، مکتب، زن، مال و آنچه که به عنوان ثروت باشد در اختیار محمد قرار خواهند داد تا از رسالت خود دست بردارد.

رسول گرامی اسلام سخنی پر معنا به آنها جواب داد، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهید هرگز از رسالتی که بر دوش دارم کوتاه نخواهم آمد، اینک با توجه به این رفتارها و سیره عملی پیامبر اکرم درخواهیم یافت که چگونه وقتی ایشان در میان امت اسلامی قرار می گرفتند و حتی در میدان جنگ حضور می یافتند مسلمانان به خلوص و اعتقاد ایشان پی برده و زمانی که وحی بر ایشان نازل می شد مسلمانان شیفته سخنان ایشان بودند تا بدانند خداوند در آیات جدید چه پیامی برای مسلمانان دارد. در برنامه های بعدی به نقش وحی و قرآن و ویژگی های این کتاب آسمانی در توسعه و انتشار اسلام می پردازیم.

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

همانگونه که در برنامه های قبلی به سمع و نظر شما رسید ، به مسئله سرعت و انتشار اسلام در سرزمین حجاز در طول حیات پیامبر پرداختیم. در برنامه قبلی هم به نقش شخصیت و گفتارها و پیام های پیامبر و همچنین سیره عملی پیامبر پرداختیم، اینک در این برنامه به جایگاه قرآن و رسالت پیامبر در ابلاغ آیات وحی بر مسلمانان می پردازیم،

می دانیم که الفاظ قرآن فصاحت و بلاغت معجزه گونه ای داشته و دارد و می دانیم که معانی آیات قرآن رسا و محتوایی دلنشین دارد،

جاذبه این آیات و آهنگ صوت و تلاوت آیات قرآن گاهی قبیله ای را متحول می کرد و تاثیر شگرف در میان مسلمانان می گذاشت، مسلمانان بر اساس همین شنیده ها از گفتار پیامبر و آیات وحی بود که خالصانه به اسلام ایمان می آوردند و اسلام را به عنوان دین رهایی بخش خود قبول می داشتند.

یکی دیگر از مواردی که مورد عنایت قرار می گرفت نزول تدریجی آیات الهی بود که همواره افراد را تشنه و در انتظار رسیدن وحی نگاه می داشت، همچنین در تاریخ آغازین ظهور و تولد اسلام ، نقش خویشاوندان فداکار و مخلص پیامبر اکرم بسیار

ارزشمند بود، شخصیت هایی همچون حضرت علی (ع)، حضرت خدیجه (س)، حضرت ابوطالب و افرادی چون عمار، یاسر، ابانر، مقداد، سلمان و بلاد و دیگر صحابه نزدیک ایشان، همچنین وجود زمینه مساعد اجتماعی، زیرا که اسلام ضد ظلم و ستم بود و همواره افراد جامعه را از اندیشه های نژاد پرستانه دور می داشت، اسلام ملجأ و پناهگاهی برای طبقه محروم و ستم دیده بود، می دانیم که در عصر جاهلی موضوع بردگان و استفاده از نیروی بردگان امری متداول در همه جوامع بود، علی الخصوص در جامعه جاهلی عرب و اسلام اساس فکر خود را بر نفی برده داری و ظلم و ستم بر مردم می دانست، پیامبر بردگان را می خرید و آزاد می کرد، همین اندیشه و رفتار پیامبر باعث مسلمان شدن بسیاری از بردگان شد، آنها دیدند که رأفت و مهربانی پیامبر و این دین، تا کجا است که بین سیاه و سفید تفاوتی وجود ندارد، بین اشراف و طبقه مستضعف تفاوتی وجود ندارد، آنچه که موجب امتیاز و ویژگی است تقوا، و اعتقاد به خداوند است، عبادت خالصانه برای خدا و مجاهدت در دین خدا.

بر اساس همین رفتارها و الگوها و پیام وحی الهی بود که بسیاری از مردم منطقه حجاز این مسائل را مشاهده کردند و به اسلام ایمان آوردند، آیات قرآن تماماً بر مسائل اجتماعی مردم و نفی ظلم و ستم تاکید داشت.

نمونه ای دیگر را می توان در جنگها و غزوه های پیامبر جستجو کرد، رفتار اخلاقی و عاطفی ایشان در جنگ با دشمن و عدم کینه توزی و عدم رفتار خشن نسبت به اسرا و مغلوبین از امتیازات برجسته اندیشه فرهنگی و اندیشه اجتماعی اسلام است. برای نمونه می توان به غزوه بدر اشاره کرد، زمانی که عده ای از مشرکین به اسارت مسلمانان درآمدند پیامبر شرط آزادی مشرکین را باسواد کردن ۱۰ تن از مسلمانان دانستند و اعلام کردند هر اسیری از مشرکین که توانایی خواندن و نوشتن دارد و می تواند به آموزش مسلمانان بپردازد به ازاء آموزش دادن ۱۰ مسلمان به خواندن و نوشتن او آزاد خواهد شد.

در فتح مکه بیان شد که ایشان دشمنان ۲۱ ساله اسلام و مسلمانان را مورد عفو قرار دادند در کدام جنگ ها در تاریخ های گذشته و در عصر باستان چنین مسائلی از سوی فاتحان ایجاد می شود ، پیامبر اکرم هرگز جنگ نکرد بلکه دفاع کرد و در دفاع نیز افرادی که اسیر می شدند آنها را با رفتارهای کریمانه خود می بخشیدند همانگونه که خود فرمودند: **إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْخَلْقِ** ایشان مبعوث شدند تا مکارم اخلاقی را تمام کنند. پیامبر برجسته ترین مکارم اخلاقی در جنگ و جهاد است. در جنگ خیبر وقتی که به پیامبر پیشنهاد شد که راه آب را بر قلعه یهودیان ببندد و آب آنها را مسموم کنند، ایشان برآشفت و به شدت مخالفت کرد و جاری ساختن سم

در آب مردم شهر را برای حاکم شدن و برای پیروزی منع کرده و آن را غیر اخلاقی دانسته و دور از اخلاق انسانی بر شمردند،

ایشان پیامبر آخرین دین الهی بودند و کاملترین دینی که بر بشر عرضه شد، در جنگ حنین ایشان نه فقط اکثریت مغلوبین را بخشیدند ، اسیرانشان را نیز آزاد کردند، حتی به رهبر قبیله فرمان عفو دادند و رهبر قبیله ای که در جنگ حنین به اسارت درآمده بود آزاد کرد. اینها نمونه ای از رفتارهای پیامبر در دوران حیات و دوران رسالت ایشان است که مورد تمجید مسلمانان و حتی غیرمسلمانان قرار گرفت و همین عاملی بود در پذیرش دین اسلام از سوی مردم حجاز .

سیره پیامبر اعظم (ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این برنامه به عوامل گسترش، توسعه و پیشرفت تمدن و فرهنگ اسلامی می‌پردازیم، تمدنی که فراسوی مرزهای حجاز را در نوردید و در شمار دین‌های جهانی قرار گرفت، این عوامل را می‌بایستی در پیام وحی تعالیم قرآن، آموزه‌ها و رفتارهای عملی و گفتاری پیامبر اکرم جستجو کرد، از آنجا که در سیره پیامبر قرآن نقش خاص و ویژه‌ای دارد ابتدا به تاثیر قرآن در جامعه اسلامی می‌پردازیم، قرآن کریم، کتابی فرهنگ آفرین و تمدن ساز است زیرا نه تنها ندای وحدانیت و توحید را سر می‌دهد بلکه بر اصول و قواعد زندگی و حیات اجتماعی و نظام سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه اسلامی نیز نظر دارد، قرآن کریم کتاب حقوق و اساس خانواده هم هست، آیات کریمه خداوند از مواهب طبیعی گرفته تا صورت‌گری انسان در رحم مادر می‌پردازد،

کتاب قرآن، کتاب ارزشمند علمی است و در عین حال که مردم جهان را به یگانگی و اتحاد فرا می‌خواند همه این آموزه‌ها زمینه ساز تمدن فراملیتی و جهانی است، در قرآن کریم تعابیری مانند اولوالباب، اولوالابصار، فراوان به چشم می‌خورد، در قرآن کریم از واژه افلا به فراوانی ذکر شده، همچون افلا یتدبرون، افلا یتذکرون، در واقع آیات الهی از آسمان و زمین، کوه و دریا، ستاره و فجر نیز یاد می‌کند،

همچنین در خلقت شتر **أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ** در قرآن هر جا مناسبتی پیش آمده آدمی به اندیشیدن و بهره جستن از خرد خویش برای پی بردن به اسرار جهان هستی و ملکوت خداوند دعوت شده، در قرآن کریم هر دو جنبه جسمانی، روحانی، مادی و معنوی انسان و آفرینش را تعلیم و آموزش می دهد و هسته این تعالیم را در اعماق ضمیر پیروان مکتب اسلام تفکر قرآنی می دانیم.

در قرآن کریم علاوه بر تشویق به علم و خرد و دانش مسلمانان و مومنین به کسب قدرت و اقتدار و توانمندی نظامی نیز ترغیب و تشویق شده و به کسب کلیه توانمندیها و استطاعت های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی فرا خوانده شده اند، چنان چه در آیه ۶۰ از سوره انفال خداوند می فرماید: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ** در قرآن کریم همه ادیان توحیدی و الهی به وحدت و یگانگی فرا خوانده شدند، این بیانات قرآن بشارتی است برای آنان که حق و حقیقت را می طلبند و تقوا را پیشه خود می سازند، این دین و رسالت اسلام در واقع تکمیل کننده پیام همه انبیاء الهی بود و وقتی که اسلام پا بیرون از مرزهای حجاز گذارد بسیاری از مردم ملل غیر عرب وقتی به پیام های قرآن گوش دادند گویا به فطرت خویش بازگشتند و در پذیرش اسلام شک و شبهه ای نکردند، در رویارویی سپاهیان اسلام ، با سرزمین ایران و مردم ایران در همان تاریخ صدر اسلام این واقعیت را می بینیم ، بسیاری از مناطق اسلام به فتح صلح به اسلام ایمان آوردند، و به ندرت جنگ و درگیری در

میان جغرافیای کشور ایران اتفاق افتاد، در واقع مناطق مرکزی و جنوبی ایران و حتی خراسان بزرگ در تاریخ صدر اسلام فتح تبدیل به صلح شد، مهمترین و موثرترین عامل ظهور و توسعه تمدن اسلام، اخذ و اقتباس مسلمانان از علوم و تمدن دیگر ملل بود و در واقع این هماهنگی در تبادل و تعامل فرهنگی و تمدنی بین مسلمانان و دیگر ملل اتفاق افتاد و نمونه بارز آن را می توان در تقابل اسلام با ایران دانست، روابطی که بین مسلمانان و ایرانیان اتفاق افتاد و ایران زمانی که مسلمان شد در توسعه و پیشرفت فرهنگ اسلامی سهم بسزایی داشت، در واقع می توان گفت تعالیم روح بخش قرآن تاثیر زیادی بر مسلمانان گذارد علی الخصوص در تاریخ صدر اسلام.

هرچند در قرون دوم و سوم هجری رویدادها و اتفاقات تلخی در تاریخ اسلام روی می دهد که بخش قابل توجهی از آن را می توان در جاهلیت بعضی از سران عرب جستجو کرد اما در کل مجموعه و در کیفیت فرهنگ اسلامی باید به تاثیرگذاری آیات الهی و تعالیم پیامبر اسلام اشاره کنیم که در پیشرفت تمدن اسلام سهم بسیار ارزشمند و چشمگیری داشته اند.

در برنامه بعدی به سیره اخلاقی، رفتاری و گفتاری پیامبر در گستردگی تمدن اسلامی اشاره خواهیم کرد.

سیره پیامبر اعظم(ص) به کارشناسی جناب آقای دکتر مجید نجف پور

بسم الله الرحمن الرحيم

در این برنامه به بررسی تعالیم پیامبر اسلام در گستردگی و پیشرفت تمدن و فرهنگ اسلام می پردازیم، پیامبر اکرم با عنایت به رفتار و آموزه های عملی و اخلاقی خود در ایجاد وحدت و یگانگی میان قبایل متفرق در شبه جزیره عربستان زحمات زیادی را متقبل شدند، در واقع حاکمیت متمرکزی را که پیامبر در حکومت اسلامی در شهر مدینه ایجاد کردند و اولین گام های خود را در شکل گیری تمدن اسلامی برداشتند مؤید آن است که این تمدن می باید در قرون بعدی انسان سازی را به حد اکمل رساند. پیامبر پس از مهاجرت از مکه به مدینه بود که بلافاصله مبادرت به تشکیل حکومت و دولت اسلامی نمودند و خود در راس این حکومت جدید قرار گرفتند، رهبری معنوی و مادی امت اسلامی را برعهده گرفتند و با تدوین منشور مدینه و پیمان اخوتی که میان مهاجرین و انصار از یک سو و پیمان وحدت میان اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان بستند در واقع یک حکومت متمرکز و یک وحدت و هماهنگی را در بین جامعه ایجاد کردند، با توجه به اینکه این منشوری که با اهل کتاب به امضاء رساندند، اولین قانون اساسی در حکومت اسلامی است، اگر به مفاد و قوانین و مواد این پیمان نامه توجه شود در خواهیم یافت که اسلام چگونه امنیت ساکنین غیرمسلمان مدینه را فراهم کرد، این منشور، الگویی برای قانون اساسی

حکومت اسلامی است و در ادوار بعدی تاریخ می بینیم که خلفا با توجه به همین پیمان نامه و عهدنامه است که روابط خود را با جوامع غیرمسلمان را برقرار کردند، در واقع این حرکت پیامبر در آغازین روزهای شکل گیری حکومت اسلامی نشان از آینده نگری و دور اندیشی ایشان در ادامه حکومت داشت.

همان گونه که در برنامه های قبلی نیز اشاره کردیم، رفتار پیامبر در جنگها نیز در تأثیر آن برای لشکریان و سران و سرداران سپاه اسلام الگو شد، در همان تاریخ صدر اسلام، سرداران اسلام به هر سرزمینی که می رسیدند بر اساس همان سفارش های پیامبر هرگز دست به تعدی و ظلم و اجحاف نسبت به ملل مغلوب نمی زدند، پیامبر بارها سفارش کرده بود که مبادا در رسیدن به سرزمین ها و شکست دشمنان، شما نسبت به افراد کهنسال، زنان و بچه ها ظلم روا دارید، حتی نسبت به قطع کردن درختان نیز پیامبر سفارش کرد که هرگز دست به چنین کاری نزنید، نهرا را پر از خاک و سنگ و ریگ نکنید، هرگز چشمه های آب و چاه های آب مردم شهرهای مغلوب را نابود نکنید و هرگز نسبت به مردم مغلوب ظلم و جفا روا ندارید، با آنانی بجنگید که در مقابل شما ایستاده اند، این سفارش پیامبر و تاکید وحی الهی بود، در واقع سیره پیامبر الگویی شد برای رهبران و حاکمان اسلامی در ادوار مختلف تاریخ اسلام، می دانیم حتی زمانی که پیامبر وارد مدینه شدند پس از ورود ایشان به این شهر، اولین اقدام در تأسیس مسجد بود، مسجد در اسلام از

اهمیت ویژه ای برخوردار بود، در واقع پایگاه عبادی، اعتقادی و آموزشگاه بزرگ تعلیم و تربیت مسلمانان بود، در صدر اسلام تمامی اقدامات پیامبر در مسجد انجام می شد، از فرمان جنگ، از عقد اخوت مسلمین، از نکاح امت اسلامی و تمام جریانات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مسجد تصمیم گرفته میشد، بنای مسجد در شهر مدینه با شتاب ویژه ای از سوی پیامبر و یاران ایشان انجام گرفت و این کانون عبادت در واقع مرکز سیاست و تصمیم اقتصادی در میان امت اسلامی بود، مسجد فرهنگ دنیای اسلام را نیز رهبری می کرد، در واقع می توانم بگویم هم مسجد و هم پیمانی که در آغازین روزهای ورود پیامبر به شهر مکه به امضاء رسید جزء اسناد زنده تاریخ اسلام است، در کتاب های سیره و تاریخ صدر اسلام و محققین تاریخ قرون اول و دوم هجری آمده است که رسول خدا پیمانی را که میان مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که از آنها پیروی کرده اند و با آنها به جهاد برخاسته اند.

این پیمان وقتی منعقد شد از اصول اساسی جامعه اسلامی بود، این پیمان نیز در مسجد منعقد شد و در واقع گواه این حرکت و اندیشه پیامبر در مسجد میان مسلمانان و غیر مسلمانان به امضاء رسید، حرکتی که پیامبر در مدینه در آغازین روزهای حضور خودشان انجام دادند، رفتاری بود که در آینده نیز برای حاکمان و خلفا سرمشق شد.

در برنامه بعدی به نمونه دیگری از زندگی و رسالت پیامبر در توسعه و گسترش

فرهنگ و تمدن اسلامی می پردازیم با اشاره به زندگی ایشان و سیره عملی ایشان.